

ایران
شهریور

سرمقاله



گستوش مبارزات اعتراضی توده ها
و
ضرورت سازماندهی آن

در طی ماههای اخیر، مبارزات توده ای علیه سیاست های ارتجاعی رژیم از قبیل، تسلیح اجباری و حشکشان روستاهای کردستان، سرکشی اجباری فرزندان خلق کرد برای اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی و نیز سیاستهای ایدئولوژیک مزدوران رژیم در سرکردن کردستان برای ازبای در آوردن توده های مردم خلق کرد، ابعاد گسترده ای به خود گرفته است. مبارزاتی که ایک دیگر به یک امر عادی در مقابل مزدوران رژیم در سرکردن کردستان تبدیل شده و هیچکدام از اقدامات ارتجاعی رژیم از قبیل، دستگیری، شکنجه، آزار و اذیت، تخریب روستاها و به آتش کشیدن خانه و کاشانه اهالی و حشکشان آنها، توانسته است از ابعاد آنها بگذرد. و توده های معترض را وادار به تکیه به سیاست های رژیم نماید.

ابعاد گسترده اعتراضات توده ای و خمدت تعرضی آنها در بسیاری موارد و اشکال متفاوت دیگر که بصورت مقاومت های دسته در صفحه ۲

در صفحات دیگر:



اجبار جنبش توده ای

صفحه ۹

ملح برای جنبش

جنگ برای جلب محافل خارج

صفحه ۲۰

نامه اهالی سنج

در مورد درگیری حزب دمکرات و کومه له

صفحه ۳

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی

حمله به پایگاه • کنترل جاده • مین گذاری • صفحه ۴

حزب دمکرات

و دیپلماسی و شکست!

که غنجر به "تحمیل درگیرهای خونین گسترده تر بر پیشمرگان انقلابی خلق کرد می گردد و به افشای کدام "شیوه های برخورد خصمانه حزب دمکرات" تاکید نموده ایم که دستاوردهای دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد را لگد مال می کند، به دیپلماسی دروغ پناه برده است و تلاش نموده است واقعیت سیاستهای خود را و ضمون حتی همان نامه مورد نظر خود را نیز پوشیده نگه داشته و پشت این سیاست و شکست خود، سنگسار در صفحه ۵

و با یک جمله "و اینهم ... یک پاسخ انقلابی" تلاشی نموده است، دست به عوامفریبی و مظلوم نمایی زده، به تحریف واقعیت مناسبات خود با نیروهای سیاسی در کردستان دست یازد. حزب دمکرات بدوین آن که بگوید که ما در آن نامه به سر اعمال گسدام "سیاستهای" از سوی رهبری حزب دمکرات انگشت گذاشته ایم و آنها را "گاسی" در جهت تضعیف بیخیزان پیش جنبش انقلابی خلق کرد ازبای کرده ایم، چرا و کدام اعمال از سوی حزب دمکرات را "نفرت انگیز" نامیدیم

حزب دمکرات کردستان، در نشریه کوردستان (شماره ۱۰۶) ضمن چاپ نامه رسمی خود به سازمانها و احزاب سیاسی، بخشی از یک نامه مارا که نه در این رابطه بلکه در مورد مشخص دیگری نوشته شده است، به چاپ رسانده است. و آنرا پاسخی به نامه خود اعلام داشته است. حزب دمکرات با حذف بخش اول نامه که موضوع اصلی نامه را تشکیل می داد، بخش پایانی و در حقیقت نتیجه گیری آن نامه را منتشر نموده

آغاز ششمین سال جنگ و جنبش انقلابی خلق کرد

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

گسترش مبارزات اعتراضی توده ها و ضرورت سازماندهی آن از صفحه ۱

جمعی، راهپیمایی به سوی شهر، تجمع در شهرها و در مقابل مراکز رژیم و اعلام خواست های توده های معترض، خود را آشکار ساخته است، بیانگر عشق و وسعت تداوم شایستگی است که بهر از شش سال آن در زیر تازیانه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن همچنان و با تمام نیرو و توان خود، ادامه دارد و جلوای از آن عزم آهنینی است که خلق کرد در طول شش سال گذشته از خستگی و نبرد های رویاری و خونین با رژیم جمهوری اسلامی آشکار ساخته است.

امر مهم دیگری که می باید این زمینه به آن توجه نمود، حضور قدرتمند این جو غنی و این مبارزات در مناطقی که مدنیت رژیم با استقرار و ها پایگاه، قصد اعمال کنترل خود بر آنها را در مناطقی که علیرغم حضور نیروهای سرکوبگر رژیم در آنها هنوز هم کانون مبارزات توده ای در مقابل مزدوران آن هستند.

مسئله مهم این است که این اوضاع می باید سازماندهی، در انطباق با جنگ انقلابی در کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی و به موازات تحریک نیروی پیشمرگه در کردستان اشغال و ابعاد عالیتری به خود گرفته، به هم گره خورده و به منبع عظیم انرژی در شرایط کنونی مبدل گردد و توده های هرچه وسیع تری را نه بطور پراکنده، بلکه بطور گسترده و سازماندهی در تمامی مناطق کردستان متشکل نماید. این امر محیر نیست مگر از طریق ایجاد آن حلقه های اساسی که بتواند این مبارزات را به هم پیوند داده و کمانه های نماید. و این حلقه های جزیی جز ایجاد تشکلهای توده ای جهت هدایت و همگونی این مبارزات نیست. تشکلهایی که مسائل اساسی مربوط به این گونه مبارزات را جمع بندی نموده در مناطق مختلف با توجه به وضعیت عمومی آن منطقه و

سیاست های رژیم، در قبال این سیاست ها با هدف روشنی حرکت نموده، اعتراضات پراکنده را به یک اعتراض گسترده و عمومی مبدل ساخته، هرچه بیشتر مزدوران رژیم را در تنگنا قرار داده، وادار به عقب نشینی نماید و در ارتباط تنگننگ با مبارزه مسلحانه در کردستان گام های موثری را در به شکست کشاندن تلاش های رژیم و ایجاد پایگاه متشکله توده ای برای جنبش کنونی بردارد.

مسئله بدون آن که این مبارزات اعتراضی در هم گره خورده و تحت هدایت یک قدرت متشکل توده ای قرار نگرفته و همچنان پراکنده هرچند با ایجاد گسترده ادامه پیدا کند، نهایتاً در نبودن آن عامل تداوم و قدرتمندی چنین مبارزاتی یعنی اسیر تشکلهای توده ای، نخواهد توانست به پیروزیهای پایداری در قبال سیاست های رژیم نائل آید.

تجربه نشان داده است که مزدوران رژیم در اغلب موارد مجبور به عقب نشینی شده و به اراده توده های معترض تکیه نموده اند و حتی در بسیاری موارد با توجه به روحیه تهاجمی توده های زحمتکش با فضاگشایی کاملی نیز چنین عقب نشینی را پذیرا شده اند ولی در بسیاری از همین موارد، بار دیگر و این بار با ساز و برگ و تمهیدات جدیدی در صدر اجرای سیاست خود بر آمده اند. این امر قبل از همه بیانگر آن است که بدون آن که با چنین مبارزاتی برخورد سازماندهی نشود، پیروزیهای بدست آمده در آنها، به آسانی می تواند با اندک تغییراتی در وضعیت و با توجه به تجربه قبلی مزدوران رژیم در هم شکسته شود. بهویژه از آن رو که چنین موفقیت های خودبخودی که گاه حتی با خوشخیالی زحمتکشان نیز ممکن است توأم گردد، به زودی در فقدان هرگونه جمع بندی و ارتقاء آنها به زرد خود محو می تواند مبدل گردد.

امروز باید تلاش نمود بر زمینه همین مبارزات اعتراضی، و بر بستر موجودیت آنها، هسته های اصلی تشکلهای توده ای برای هدایت آنها ایجاد کرد که علاوه بر به ثمر رساندن اینگونه

مبارزات اعتراضی تحت شعارهای مشخص و هدفمند انقلابی، خود این اعتراضات را به عاطفی قدرتمند در مقابل همه جانبه با رژیم جمهوری اسلامی در کردستان مبدل ساخت. باید سیاست های روشن و مشخص برای هدایت این اعتراضات چه در شهرها و چه در روستاها و پیوند دادن آنها به همدیگر اتخاذ نمود. امکان جمع بندی عملی از آنها را فراهم کرده، با هدایت هدفمند آنها پایگاه توده ای جنبش خود را متشکل نمود.

نگاهی به اخبار جنبش توده ای در کردستان بهویژه در شش ماه گذشته (که بطور مرتب در ریگای گول منتشر شده است) اهمیت جنبش پرخوردی به این اعتراضات گسترده توده ای را هرچه بیشتر آشکار می سازد. بهویژه اهمیت صالیه زمانی حد چندان می شود که به این واقعیت معترف باشیم که آن چیزی که تداوم هرچه قدرتمند جنبش کنونی در کردستان را تضمین نموده و بعد از این نیز مطمئناً خواهد نمود، همین پایگاه وسیع و گسترده توده ای آن است که محل تغذیه اصلی این جنبش همانا خود همین پایگاه است. این توده های کارگر و زحمتکش خلق کرد هستند که بار اصلی این جنبش را بر دوش کشیده و در طول شش سال گذشته با این توده تمام بر ادامه یلانقطاع آن در زیر شدیدترین سرکوب و کشتار و قارت مزدوران رژیم پای فشرده اند. و پیوسته سرگرمگران را به خاک مالیده و بر اهداف انقلابی - دمکراتیک جنبش کنونی و حقوق حقه خود پای فشرده اند و هم اینکه نیز مبارزات اعتراضی آنها در مناطق مختلف کردستان علیه مزدوران رژیم آن بخش مهمی از این مبارزات عظیم و به هم پیوسته است که می باید به آن اهمیت لازم داده شود و سازماندهی آن بعنوان یک وظیفه تخطی ناپذیر تلقی گردد و بعنوان یک منبع قدرت در جنبش کنونی و برای حصول به اهداف پیروزی آن در نظر گرفته شود. و هر آن نیرویی که امروز ادعای رهبری جنبش را دارد باید در این زمینه و در واقعیت عملی رهبری و نه ادعائی آن، به این مسأله جامه عمل بپوشاند و شرایط در صفحه ۱۲

نامه اهالی سنندج

در مورد درگیری حزب دمکرات و کومه له

چارچوب مشخصی برای فعالیت نیروهای سیاسی در کردستان را در سرلوحه سیاست های خود قرار دهند.

ما جهت انعکاس این خواست توده های خلق کرد عین نامه اهالی سنندج را در روزگاری که به چاپ می رسانیم و از کمیته نیروهای انقلابی و مردم و محکمش سرانجام کردستان می خواهیم که با تمام توان و انرژی خود، برای پاسداری از دستاوردهای دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد و در راه پایان دادن به درگیری های کنونی از هیچ کوششی فروگذاری نکنند و چهره آن سیاستهایی را که ادامه این درگیری ها را امکان پذیر ساخته است، هرچه بیشتر افشا نموده، بار بار بپارچه و ضد خود را در مقابل هر آن نیرویی قرار دهند که بر ادامه پلا انقطاع درگیری ها، اصرار دارد و منافع سیاستهای خود را در تجمیع درگیری فیهابین پیشرگان انقلابی خلق کرد و در محو دستاوردهای آن جستجو می کند.

به نظر رژیم جمهوری اسلامی و قطعاً به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد می دانند و این همه را با تمامی وجود خود احساس می کنند، مردمی که با تمامی امکانات خود در طول شش سال گذشته، برای رسیدن به اهداف انقلابی خود، از هیچ کوششی فروگذاری نکرده اند و بار اصلی مبارزه کنونی را با استواری تمام بر دوش خود، کشیده اند، و با تمامی هستی خود را وثیقه پیشبرد مبارزه جاری قرار داده اند.

نامه مردم سنندج به سازمانهای سیاسی، بیان روشنی از خواست درونی خلق کرد است که باید نیروهای سیاسی در کردستان به آن پاسخ مشخص داده، قبل از همه راه قطع درگیری های کنونی را هموار ساخته، و ضرورت رسیدن به

در اوازل شهریور ماه، قطعنامه ای از سوی تعدادی از اهالی، خانواده شهدا و پیشرگان شهر سنندج، به سازمان ما رسیده است که بیانگر مخالفت جدی آنها، با ادامه درگیری های کنونی حزب دمکرات و کومه له، و حاوی خواست آنها مبنی بر قطع درگیری های کنونی یعنی انشراح بدین قید و شرط و فوری و حل اختلافات فیهابین از طریق سیاسی و سالم آمیز و بر سر میز مذاکره است.

در حقیقت این قطعنامه نمونه گهایی از خواست توده هایی است که در سرتاسر کردستان، با ادامه پلا انقطاع درگیری های کنونی بخش عظیمی از دستاوردهای مبارزات خود را در معرض خطر می بینند و ادامه این درگیری ها را تنها

بسیار نامه های خه لکی فشاری سنه و خانه واده ی خه هید و پینمه رگه کان

- ۱- نیمه خطکی فشاری سنه و خا نموده ی پینمه رگه، شهری چه کد ارانی نیوان کومه له و حیزبی دمکرات به ره ری جولانه وه ی شهرنگیرا نه ی که لی کورد ئیستازنن.
 - ۲- داوا کارین که هم شه ره به بی هیچ به هان به نه کوتایی پی بیت و تا کر به سه ی به جی به ره ره رار پسریت.
 - ۳- هه ر دک لا ئیختلافاتی سیاسی نیوانان به نیوه ی هپانه و سیاسی وله ریگی و توو یوه به به رنه پین.
 - ۴- له هه ر دک لا داوا ده که بن که هم به رازنامه به له رادی که پانه وه بخینه وه وه ئیستازمان هه به هم داخوانانی نیمه که داخوانی هه مو که لی کورد و زه حه تکیسانی کوردستانه وه لاسی موسیت پینمه وه.
 - به هیوای نه واو بوونی هم نیمه ره و سه رگه وتنی شورشی ره وای که لی کورد وینه پین.
 - ۱- کومپته ی ناوه ندی کومه له (سازمانسی کوردستانی حیزبی کومونیستی ئیران)
 - ۲- ده قه ری سیاسی حیزبی دیموکراتسی کوردستانی ئیران
 - ۳- ده قه ری سیاسی سازمانی مو جاهدینی خه لکی ئیران.
 - ۴- ده قه ری سیاسی سازمانی فیداییه کانی خه لکی ئیران (نه قه لیت)
- ئیمزای ده ری ۱۳۰ نه له ر

قطعنامه بخشی از اهالی سنندج و خانواده شهدا و پیشرگان (در مورد مسئله جنگ بین حزب دمکرات و کومه له)

- ۱- ما، اهالی شهر سنندج و خانواده پیشرگان، جنگ مسلحانه میان کومه له و حزب دمکرات را به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد می دانیم.
 - ۲- خواستار آنیم که این جنگ بدون هیچ بهیانه و عذری (پی قید و شرط) خاتمه یافته و آتش بس (فوری) برقرار گردد.
 - ۳- طرفین، اختلافات خود را به شیوه آرام سیاسی و از طریق گفتگو بر سر میز مذاکره به پیش ببرند.
 - ۴- از هر دو طرفی خواستاریم که اپین نظرات (قطعنامه) را از طریق راهپو خود بخش نموده و انتظار داریم که به خواست ما که همانا خواست خلق کرد است جواب مثبت بدهند.
- به امید خاتمه یافتن این جنگ (جنگ حزب و کومه له) و پیروزی جنبش خلق کرد رو نوشت به :
- ۱- کمیته مرکزی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)
 - ۲- دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
 - ۳- دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران
 - ۴- دفتر سیاسی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

با امضاء حدود ۱۳۰ نفر

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی

* کنترل جاده

ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز بیستم مرداد ماه یک واحد از پیشمرگان فدائی جاده به سن - کانی سور واقع در منطقه هانه را به کنترل خود درآوردند.

رفتای پیشمرگ ضمن بازرسی اتومبیل‌هایی که در این جاده تردد می‌کردند مبادرت به بخش اعلامیه، تراکت و نشریات سازمان در میان مسافری نمودند.

عملیات تبلیغی پیشمرگان فدائی در این منطقه که در میان پایگاههای متعدد رژیم قرار داشت حدود یک ساعت بطول انجامید و مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت.

* مین گذاری

روز ۱۵ مرداد در اثر انفجار یک مین ضد نفر که توسط پیشمرگان فدائی در جاده آرموده - گرماب کار گذاشته شده بود یکی از مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی به هلاکت رسید.

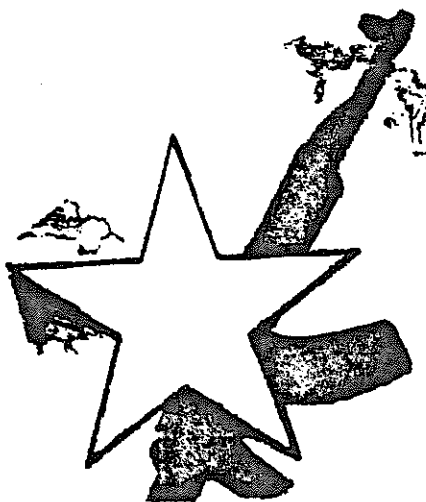
* حمله به پایگاه

در جریان جوله سیاسی - نظامی پیشمرگان قهرمان سازمان در منطقه هانه روز ۲۷ مرداد یک واحد از رزمندگان فدائی طبق طرح دقیق و از پیش تعیین شده خود، پایگاه گویلی را که یکی از مراکز استقرار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در منطقه هانه می‌باشد، مورد تهاجم دلیرانه و انقلابی خود قرار دادند.

واحد عملیاتی پیشمرگان فدائی قبل از آغاز عملیات، ابتدا در مواضع مسلط بر پایگاه سنگر گرفتند. سپس در ساعت هفت و پانزده دقیقه با شلیک نخستین موشک آرمی، جی به داخل پایگاه مذکور عملیات شروع نمود. بلافاصله رگبار مسلسل‌های پیشمرگان دلیری که در نقاط مختلف مشرف به پایگاه مستقر بودند بسوی مواضع استقرار نفوذ دشمن در داخل پایگاه گشوده شد. غرض بی‌امان سلاجهای پیشمرگان که با انفجار ناشی از شلیک موشکهای آرمی، جی همراه بود چنان ولوله و هراسی در میان مزدوران جنایتکار دشمن بوجود آورد که امکان هرگونه واکنشی را از آنان سلب کرده بود.

مزدوران مستقر در پایگاههای کانی سور و سر جاده که از حمله پیشمرگان قهرمان فدائی به پایگاه گویلی مطلع شدند برای نجات جان هم‌دستان جنایتکار خود و در حراس از سقوط پایگاه شروع به خمپاره باران مواضع پیشمرگان فدائی کردند که بدلیل تحرک دقیق رفقا کمترین آسیبی به آنان وارد نیامد.

عملیات ضربتی رفتای پیشمرگ سازمان حدود نهم ساعت بطول انجامید و فقط بعد از کوبیدن پایگاه بسا آرایشی انقلابی عقب نشینی کردند و در میان استقبال پرشور توده ها به یکی از روستاهای منطقه وارد شدند. نیروهای دشمن در انتظام از عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی با درنده خوئی تمام به توپ سواران روستاهای اطراف پایگاه از جمله روستای گویلی پود اختند، که خوشبختانه هیچگونه آسیبی به مردم نرسید.



حزب دمکرات و ...

از صفحه ۱

بگردد. حزب دمکرات دو این زمینه حرکت
پرتیب موجود میان نیروهای
سیاسی را نیز با گذشتن
پس اعتقادی خود به وجود
رابطه متقابل با نیروهای سیاسی
که بر بنیان اصول شناخته شده ای
فهمین نیروهای سیاسی وجود
دارد به نمایش گذاشته است.

اما واقعیت چیست؟ و حزب

دمکرات چرا به تعریف آن دست
یازیده است؟

واقعیت این است که رهبری
حزب دمکرات تحت فشار سیاسی
همه جانبه ای که قرار داشت با
ارسال نامه ۱۴ تیرماه ۶۴
دبیرخانه خود به سازمانهای سیاسی
در کردستان، به آنها پیشنهاد
(۱۴) نمود که برای رفع
مسئله تفاهم و کدورت و
جلوگیری از حدوث رویدادهای
ناگوار، نمایندگی خود را به دفتر
سیاسی اعزام دارند. در غیر
اینصورت به لغو اسناد ایران

خود توصیه نمایند که در هنگام
برخورد با پیشمرگان حزب
کارت یا برگ شناسائی سازمانی
خود را (اگر تازه حال کارت
یا برگ شناسائی حزب دمکرات
را ارائه نموده اند) ارائه نمایند.
و ضرورت این کار را امر جلوگیری
از فعالیت خرابکارانه افراد مشکوک
و به اضافه بروز حوادث ناگوار
در میان سازمانهای اپوزیسیون
اعلام نمود.
(تأکید ها از ما)

هین نامه حزب دمکرات را در زیر کتیبه می‌کنیم:

رفقای گرامی، درودهای من به

با درودهای انقلابی

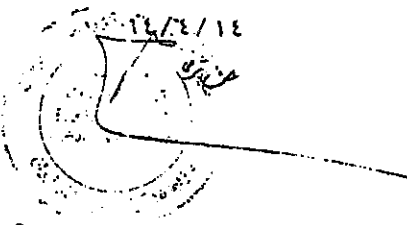
همچنانکه میدانید بعلت تداوم مقاومت دلیران، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران در برابر
یورش سبانه رژیم ضد خلقی و واپسگرایی خمینی، پیشمرگان حزب در سراسر کردستان حضور دارند.
همچنین اعضا و هواداران سازمانهای دیگر اپوزیسیون در کردستان به حضور رفت و آمد خود ادامه
بدهند. در برخی موارد بعلت عدم شناخت متقابل حوادثی روی داده که موجب ایجاد سوء تفاهم
و کدورت بین این سازمانها و حزب دمکرات گردیده است.
لذا بمنظور حفظ فضای کاملاً دمکراتیک موجود برای فعالیت سازمانهای اپوزیسیون در کردستان
با دارد ترتیبی داده شود تا از حدوث رویدادهای ناگوار پیشگیری بعمل آید. بنا بر این پیشنهاد
میکنیم:

- ۱- سازمانهایی که مایل به همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران هستند و در چهارچوب
فعالیت سازمانی شان انتظار کمک دوستانه از کمیته‌ها و پیشمرگان حزب دارند، نمایندگی خود را به
دفتر سیاسی اعزام دارند تا پیرامون نحوه این همکاری بحث و توافق بعمل آید.
- ۲- سازمانهایی که مایل به همکاری عملی با حزب دمکرات کردستان ایران نیستند و انتظاری از
کمیته‌ها و پیشمرگان حزب ندارند به اعضا و هواداران خود توصیه نمایند که در هنگام برخورد با
پیشمرگان حزب کارت یا برگ شناسائی سازمانی خود را ارائه نمایند. البته متقابلاً پیشمرگان حزب
نیز به همین ترتیب رفتار خواهند نمود.

اینکار از رفت و آمد و فعالیت خرابکارانه افراد مشکوک و عمال رژیم خمینی و از بروز حوادث ناگوار
در میان سازمانهای اپوزیسیون جلوگیری بعمل خواهد آورد.

با درودهای مجدد

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دمکرات
کردستان ایران



ما بعد از دریافت
نامه فوق پایتختی
را به این نامه ارسال
داشتیم که در آن ضمن
تأکید بر حفظ فضای
دمکراتیک در کردستان
و التزام به آن،
رهبری حزب دمکرات را
از تخطئه مناسبات
متقابل نیروهای
سیاسی در کردستان
و تقسیم آنها به
حکمران و غیر
حکمران، حزب دمکرات
برخیزد داشتیم و بهانه
جسوسی حزب دمکرات
را پیرامون کارت شناسائی
و غیره (که در مورد
خود ما علاوه بر
رفقای پیشمرگ که دارای
کارت سازمانی هستند،
می‌توانست در درجه اول
شامل حال هواداران و
اعضائی از سازمان ما
که از مناطق دیگر
ایران به تشکیلات
سازمان در کردستان
به سر راهی می
سر جمعه می نمایند
باشند) متفلسفی
داشتیم و نومید
جسوسی حزب دمکرات
به امر مشکوک بودن
پس نمیدون افراد
در این زمینه
را نیز متقابل
نموجیه نمیدونیم،
امری که تشخیص
آن تنها در صلاحیت
سازمانی است که
فرد می‌دکوار
معلق به آن است.

ما همین پاسخ به نامه حزب دمکرات را در زیر چاپ می کنیم :

حزب دمکرات و ...

طی یک گفتار رادیویی تهدید-
آمیز دست یازید. حزب دمکرات
در این گفتار سازمان های سیاسی
فهرست حکام را تاحد پاسدار
و جانش تنزل داده از پیشمرگان
خود خواست با توسل به هر
بیانه ای با آنها چنان رفتار کنند
که با جانش ها و پاسداران می کنند
و راه را بر هرگونه "سوء تفاهم"
و "پروپاگاند" ناگوار "پسه"
شده خود عملاً باز گذاشت و
هدف خود را از ارسال نامه
مورخه ۱۴ تیرماه ۶۴ روشنتر
ساخت. با نبر و ره میانجی های
حزب دمکرات را اضا می کنید
رهبری حزب دمکرات و همکاری
با آن را می پذیرد و با این که
کردستان مکان بی صاحبی
نیست. منطقه حزب دمکرات در
این گفتار چیزی بیشتر از این
نیست. منطقه بی منطقی، منطق
زور.

بلافاصله بعد از این گفتار
رادیویی، مسئولین حزب دمکرات،
تلاش نمودند که این سیاست
رهبری خود را در منطقه بانده
و در مورد پیشمرگان سازمان
ما علنی نمایند. و در مقابل
ارائه کارت از سوی رفقای ما،
به آنها توهین نموده و اعلام
نمودند که فقط معرفی نامه
دفتر سیاسی حزب دمکرات برای
آنها اعتبار دارد نه چیز دیگری.
آنها آشکارا اعلام نمودند که بدون
"جواز صدور" دفتر سیاسی
حزب دمکرات، کسی حق حضور
در منطقه را ندارد. اگر چه آنها
مستحق به اعمال سیاست خود در مورد
جلوگیری از فعالیت رفقای ما
نشوند، اما انواع و اقسام اتهامات
و توهین و کار شکنی را برای
جلوگیری از حرکت سیاسی
نظامی رفقای ما در بانه به کار
بستند و در مقابل متانت و
منطق سیاسی و عدم رفتاری ما
مجبور به عقب نشینی شدند و
ما بلافاصله بعد از اطلاع از
موضوع طی نامه مورخه ۳۱ /
تیر / ۶۴ به دفتر سیاسی
حزب دمکرات ضرورت اجتناب از
ارائه این سیاست خصمانه را
ضد ذکر شده، و برای اطلاع دیگر
سازمانهای سیاسی، عین نامه را
به کلیه نیروهای سیاسی، نیز
ارسال نمودیم. لازم به ذکر
نیست که ما قبل از آن طی
سر مقاله رنگی که ل شماره ۳۱،
تأثیرات این سیاست حزب دمکرات
در مناجات فیمابین نیروهای سیاسی
را مورد بررسی قرار داده بودیم.

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
رفقا و دوستان
پس درودهای انقلابی!

عطف به ضمیمه نامه مورخ ۱۳۶۰ / ۱۴ / ۴ / ۶۴
حزب، بدین وسیله موکداً اعلام می دارد که ما خود را ملزم
و متعهد به حفظ خدای دمکراتیک برای فعالیت سیاسی و نظامی
سازمانها و احزاب سیاسی در کردستان دانسته و در این زمینه
همانطور که بارها اعلام داشته ایم، مخالف سرسخت هرگونه برخورد
غیر دمکراتیک در مناجات فیمابین نیروها بوده و خواهش
کنش هرچه بیشتر اتحاد عمل و همکاری فیمابین آنها هستیم.
لذا در باره موارد مورد اشاره در نامه مذکور لازم به
تذکر می دانیم که:

اولاً: ما علیرغم تمامی اختلافات مشخص و موجود در زمینه
مسائل مبهم جنبش کنونی خواهان قطع همکاری های متقابل
با نیروهای سیاسی در کردستان نبوده و نیستیم، بلکه توافق
یا عدم توافق بر سر چنین مسائلی زمینه ای برای کنش یا
عدم کنش آنی چنین همکاری هایی بوده و هست.

ثانیاً: این یک امر بدیهی است که هر نیرویی که در
کردستان فعالیت سیاسی و نظامی داشته باشد، با هیت مشخص
خود حرکت می کند، از این نقطه نظر تردیدی نیست که معرفی
متقابل طرفین در مناطق یک امر طبیعی است. اما اگر منظور
رفقا و دوستان حزبی، مساله مراجعات هواداران سازمان از
دیگر نقاط کشور باشد. ارائه معرفی نامه در این گونه موارد،
نه تنها امکان پذیر نبوده و نیست، بلکه بنا به شرایط مبارزه در
دیگر نقاط امری کاملاً متغی است. چرا که بر هیچ کسی
پوشیده نیست که حمل هرگونه کارت یا ورقه شناسایی برای
رفقای دیگر نقاط ایران بدلیل امنیتی امکان پذیر نبوده و
نیست. در این گونه موارد، انتظار اصولی نه تنها از حزب
دمکرات بلکه از کلیه نیروها این است که گمانان همکاری
لازم را جهت راهنمایی این رفقا به مقرات سازمان بعمل
آورند.

ثالثاً: بدیهی است که هرات در مورد مشکوک
بودن یا نبودن چنین افرادی در صلاحیت سازمان مربوطه
است.

با درود مجدد
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
کهنه کردستان
۱۴ / تیر / ۶۴

رویدادهای ناگوار و مشخصاً
در پایان نامه با تکیه بر "پروپا
گاند ناگوار" به سازمانهای
تخمس حکام "ضمیمه این نامه
- همکاری را بفهماند، امری که
حزب دمکرات بعد از دریافت
پاسخ نامه اش به علنی کردن آن

حزب دمکرات که در این نامه،
سازمان های سیاسی "همکار" را
به اعزام نماینده به دفتر سیاسی
فرا خوانده بود، در عین حال
تلاش نموده بود که با طرح
مساله کارت شناسایی و ردیف
کردن "سوء تفاهم"، حدوث

آخرین سال جنگ ایران و عراق

با فرا رسیدن آخرین روزهای شهریور ماه جنگ ایران و عراق وارد ششمین سال خود می شود. این جنگ در طول پنج سال گذشته، علاوه بر آنکه در وضعیت عمومی جامعه بحران زده ایران، بعنوان یک عامل مهم در تهدید بحران عمل نموده است، زمینه ساز بسیاری از سیاست ها و رویدادها در سرکوب جنبش انقلابی بوده است. این گفته است و بعنوان نمایی و مفیدی برای رژیم در حفظ حیات و تنگنای خود مطرح بوده است. و رژیم در این زمینه بیشتر و بیشتر بهره را از آن جسته است.

این جنگ که از اواخر شهریور ۵۹ تاکنون بلا انقطاع ادامه داشته است، در طول پنج سال گذشته بیشترین لطامات جانی و مالی را به کارگزاران و زحمتکشان هر دو کشور وارد آورده، به آوارگی و خانه خرابی میلیونها نفر و به کشته و مجروح شدن صدها هزار نفر منجر گردیده است و بخش عظیمی از منابع درآمد هر دو کشور را به نبرد اختصاص داده، تمامی ارکان گسی اجتماعی هر دو کشور را هم ریخته است.

جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق با تداوم صراحت و بلاوقه خود، امروز در روند مبارزه طبقاتی جامعه ایران به گره گاه مهمی تبدیل گردیده است، تأثیرات مهمی را در روند تحولات اجتماعی در ایران برجای گذاشته است. اگرچه در اوایل این جنگ رژیم در سرکوب توده ها از آن بهره برداری های زیادی نمود، ولی امروز دیگر گذشت زمان و تداوم بلاوقه و فرسایشی آن در عمل، خود بیکی از عوامل اصلی نارضایتی و فقر و فساد عمومی نیز تبدیل گشته است و بخش مهمی از توده های ضوئی را که در آغاز جنگ حول شعارهای رژیم برای افروخته نگه داشتن کوره های این جنگ خانمانسوز، بسیج می شدند، به

صفوف ناراضیان و قربانیان این جنگ رانده است و این امر قدرت بسیج توده ای ارتجاعی رژیم را هر چه بیشتر از میان برده و عملاً با ادامه یافتن جنگ و عدم تحقق وعده های پیمان - اسلامیستی سردمداران حاکم، به هیچ رسانده است.

در ششمین سال جنگ اگرچه ادامه آن، برای رژیم - بویژه در شرایط بحرانی کنونی - دشوار ولی حیاتی است، در عین حال رشد هر چه بیشتر نارضایتی عمومی توده ای آن واقعیت عینی است که هیچ چیز حتی جنگ قادر به سرکوب نهادن بر آن نیست حتی عامل دامن زدن به آن نیز هست. واقعیتی که انعکاس خود را در تشتت درونی صفوف رژیم بیشتر از پیش آشکار می سازد.

رژیم جمهوری اسلامی دیگر هر گونه قدرت تهاجمی خود را از دست داده است، دیگر سرمدت نیست که از امواج انسانی و حملات پرتلفات خبری نیست و مسلماً در آینده نیز بر اوضاع نخواهد بود، هیچ کس فراموش نکرده است که آخرین تلاشهای رژیم در این زمینه با چه شکستهای مخفحانه ای روبرو گشتند.

از سوی دیگر رژیم عراق نیز هر گونه قدرت تهاجمی خود را سلب است از دست داده است و جز در مراحل اولیه جنگ همیشه وضعیت تدافعی داشته است و در قبال پورش های رژیم جمهوری اسلامی تنها با اتخاذ سیاست استقامت دفاعی خود توانسته است، مقاومت نماید. ولی رژیم عراق در طول یک سال گذشته به موازات خنثی نمودن پورش صیحه های انسانی رژیم جمهوری اسلامی، با استفاده از برتری هوایی و تسلیحاتی خود، حملات گسترده ای را به مناطق مسکونی و منابع و وسعت اقتصادی رژیم انجام داده است که در طبعی بسیاری از این حملات و حمله ها به

شهرهای مختلف ایران از جمله شهرهای کردستان همچون سنقر و سنندج، پیرانشهر، سروان و بانه ... خانه و کاشانه مردم زحمتکش جامعه را آماج حملات خود نموده و به ویرانه تبدیل ساخته است و تعداد زیادی از آنها را قربانی اهدافی ضد انسانی این جنگ نموده است و حتی بسیاری از شهرها، از جمله شهر بانه در کردستان را کاملاً ویران و خالی از سکنه ساخته است. روندی که علیرغم توقف مقطعی هر از چند گاهی دوباره آغاز شده است و بطور پراکنده همچنان ادامه داشته است.

اما کردستان انقلابی علاوه بر آن که شهرهای آن مورد بمباران قرار گرفته است، در چند سال گذشته خود نیز بخشی از جبهه جنگ ارتجاعی دولتهای ایران محسوب می گشت که رژیم ایران اهداف مهمی را در کشتن این جنگ به عرصه کردستان دنبال می نموده است که قبل از همه نه خود پیروزی در این جبهه از جنگ، بلکه آشکارا سرکوب هر چه گسترده تر جنبش انقلابی خلق کرد و تمرکز هر چه بیشتر نیرو در کردستان به بهانه جنگ با عراق و گسترش حوزه پایتاهای متعدد خود در اقصای نقاط کردستان و قطع راههای ارتباطی مناطق مختلف آن بود.

در حقیقت رژیم زمانی به فکر ایجاد چنین جبهه ای در کردستان افتاد که بعد از پیروزی راندن نیروهای رژیم عراق از جنوب و سازماندهی چند حمله ناگام به خاک عراق، عملاً توانست حمله تعیین کننده ای را در جنوب سازماندهی نماید و بخشی از نیروی خود را به نیروهای سرکوبگری طحقی نمود که در کردستان به سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، مشغول بود و به بهانه گشایش جبهه جنگ علیه رژیم عراق، لشکرکشی صیحه را علیه خلق کرد آغاز نمود و با تمام امکانات، انرژی و توان خود، حمله به مناطق آزاد در کردستان را آغاز نمود و عملاً به چند حمله ناچیز علیه رژیم عراق بسنده نموده، عسده تلاش خود را به سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، در صفحه ۷

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیم اجباری

مزدوران رژیم طی یک ماه گذشته نیز جهت تسلیم اجباری توده‌های خلقی کرد به نفع رژیم، به تلاش‌های مذبوحانه خود ادامه دادند. رژیم پمیده و رشکسته جمهوری اسلامی که علیرغم بکارگیری خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب در گردستان قهرمان توانسته است به اهداف و سیاست‌های ارتجاعی خود جاسه عمل بپوشد و هر روز از جانب پشمرگان دلیر خلقی کرد محصل ضربات مرگباری می‌شود با اتخاذه شیوه‌های مختلف کوشیده است تا توده‌های خلقی کرد را بنور صلح کرده و از نیروی آنان علیه جنبش انقلابی خلقی کرد سود جوید. اما توسل به چنین تلاش‌های عیسی از سوی رژیم نه تنها موفقیتی برایش در بر نداشته بلکه همواره از جانب توده‌ها مورد اعتراض انقلابی قرار گرفته است. مزدوران رژیم که حتی با اعمال زور و تهدید نتوانسته‌اند توده‌ها را به نفع خود صلح کنند از ترس جان خود سلاح‌های بدین معنی را اجباراً در خانه‌های خود نگه دارند تا شاید روستائیان سلاح‌ها را پیش‌تر خود نگه دارند. اما این عمل نیز با مقاومت و اعتراض توده‌ها روبه‌رو گشته است. آنان با پرتاب نمودن سلاح به بیرون از خانه تنفرو کینه‌عمیق خود را نسبت به مزدوران نشان داده‌اند. گزارشات زیر، مبین ناکامی مطلق رژیم در این زمینه است.

روستا و خصوصاً زنان ستمدیده، در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران شدیداً دست بسته اعتراض زده و به تمرین انقلابی علیه مزدوران می‌پردازند و با سنگ و چوب به آنان حمله ور شده و شیشه‌های خود رو آنان را خرد می‌کنند. طی این درگیری دوفت از پاسداران ارتجاع به هلاکت می‌رسند و یک زن روستایی از ناحیه پا به شدت صدمه می‌بیند. مزدوران که با تحمل مشکلات و تلفات زیاد، نتوانسته بودند پنج نفر را دستگیر کنند، مجبور به فرار می‌شوند.

اعمال چنین سیاست‌های ارتجاعی و سرکوبانه منحصر به روستاهای سقز نبوده است و عوامل رژیم تا آنجا کوشه توانسته‌اند، در شهرها نیز به دنبال اهداف ضد مردمی خود در درج تسلیم اجباری توده‌ها برآمده‌اند. مزدوران رژیم با همدستی جاش‌ها و خائنین شبها به خانه‌ها حمله می‌برند و به غارت و چپاول اموال توده‌ها می‌پردازند. در همین رابطه چندین پیش‌بین محله‌های محال آباد و قرقی آباد شهر سقز را شب هنگام مورد یورش وحشیانه خود قرار داده و به غارت و چپاول اموال اهالی می‌پردازند. وقتی که توده‌ها، برای رسیدگی به این مسئله به مراکز دولتی مراجعه می‌کنند،

مزدوران به آنها می‌گویند که "سلاح بردارید و از خود دفاع کنید". اما مردم که نیرنگ‌های رنگارنگ رژیم را به خوبی شناخته و ماهیت کینه غارتگران را دریافته‌اند، فریب دغل کارهای آنان را نمی‌خورند و در پاسخ می‌گویند: "چنانچه بخواهیم سلاح شوم، می‌بایستی علیه پاسداران، جاش‌ها و عوامل وابسته به رژیم سلاح برداریم، چرا که آنها هستند که به غارت و چپاول اموال مردم می‌پردازند."

در ضمن زحمتکشان ریمتاهای پیر عمران و قره چر که پیش از این مورد یورش وحشیانه مزدوران واقع شده بودند، و سرکوبگران به بهانه نگهبانی شایسته و با اعمال زور و تهدید نتوانسته بودند چند قهقهه سلاح به روستائیان تحویل کنند، سلاح‌های تعمیلی رژیم را پس داده‌اند.

به خود رو پاسداران حمله می‌کنند و از ورود آنان به ده جلوگیری می‌نمایند.

اهالی چند روستای دیگر این منطقه نیز ضمن مقاومت در مقابل خواست ارتجاعی مزدوران، به عنوان اعتراض، دست به حرکت دسته جمعی زده و به شهر سقز می‌روند.

در تاریخ نهم شهریورماه نیز جاش‌های روستای "مهر ده" با همدستی پاسداران سرکوب جهت تسلیم اجباری توده‌ها، به روستای "شیخ چوپان" یورش می‌برند. مزدوران با اعمال زور و سرکوب، مانع رفتن اهالی به سرکار و مزارع گشته، آنان را در مسجد روستا جمع می‌کنند و آنگاه از آنها می‌خواهند که به نفع رژیم سلاح گردانند. اهالی زحمتکش و به جان آمده

سقز

مزدوران رژیم برای تسلیم اجباری توده‌ها، زحمتکشان ریمتاهای منطقه "گورک" را تحت فشار قرار داده تا آنان را تسلیم سیاست‌های ارتجاعی خود کنند. اما اهالی بیشتر روستاهای این منطقه و بویژه روستاهای طاهر پییده، "مخالفت" افغانان، "کندلان" و "بوپکنان" به مقاومت انقلابی پرداخته و ضمن اعتراض به این سیاست‌ها، سرکوبگران را وادار به عقب‌نشینی می‌کنند. اهالی روستای "بوپکنان" پیش از آنکه مزدوران برای اجرای سیاست‌های خود وارد روستا شوند، راه ورود آنها را مسدود نموده ضمن دادن شعار علیه مزدوران، با سنگ و چوب



اخبار جنبش توده‌ای

ارومیه

مزدوران رژیم با همکاری فئودال‌ها و جاش‌ها برای تسلیح اجباری توده‌ها، روستاها، منطقه مرگور و براندوز - جای را مورد حمله وحشیانه قرار داده و برای

دست‌یابی به اهداف ارتجاعی خود، آنان را تحت شدیدترین فشارها قرار داده‌اند. از جمله چندی پیش روستاهای "علیه"، "روزی"، "نوی"، "سوسانی" و "منصور آباد" مورد یورش عوامل رژیم قرار می‌گرفت. سرکوبگران از هر روستا چندین از ریش سفیدان و معتمدین را دستگیر و بزرگ به شهر روانه می‌کنند. تا با اعمال تهدید و آزار، از طریق آنها بتوانند به تسلیح اهالی روستاها بپردازند و به سیاست‌های ارتجاعی خود جامه عمل بپوشانند. اما

توده‌های اهالی، علیرغم یکاری این شیوه از سوی مزدوران، با صراحت از برداشتن اسلحه برای رژیم امتناع کرده و مخالفت خود را اعلام می‌کنند. سرکوبگران که با مقاومت پیکارچه اهالی روستا می‌کردند مجبور به آزاد کردن دستگیر شدگان می‌شوند. همچنین روستاییان به بزرگ مسلح شده، ماوانه، "آنبی" و "کوران" در منطقه "مرگور" بعد از اعتراضات گسترده نسبت به تسلیح اجباری خود، سلاح‌های تحمیلی رژیم را پس داده‌اند.

اعتراضات توده‌ای علیه

سربازگیری اجباری

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بدنبال سیاست‌ها و اهداف ضد مردمی خود در شهریور ماه نیز بسیاری از روستاهای کردستان را مورد هجوم وحشیانه قرار داده. سرکوبگران با تکیه به زور اسلحه و تهدید و آزار، سذبوخانه تلاش نمودند تا با سربازگیری اجباری از سوختی کمبود نیروی انسانی جبهه‌های جنگ ارتجاعی را تامین کنند و از سوی دیگر با دستگیری جوانان کینه به عنوان نیروی ذخیره پیشمرگان خلق کرد موجب می‌شوند جنبش صلحانه خلق کرد را از منبع تغذیه خود محروم سازند. اما همچنانکه در گزارشات زیر خواهیم دید مقاومت عادلانه توده‌ها و اعتراضات انقلابی آنان در مقابل سیاست‌های ارتجاعی مزدوران و علیه تلاش‌های محبت رژیم در این زمینه این ماه نیز همچون ماههای گذشته تداوم داشته است.

مزدوران، با زور سرنیزه و اعمال شدیدترین فشارها، هفت نفر از جوانان را دستگیر و روانه پایگاههای رژیم می‌کنند.

اهالی بسیاری از روستاهای دیگر این منطقه و از جمله روستاهای "بوپکان"، "کندلان" و "سیادر بالا" نیز در قبال این سیاست ارتجاعی دست به اعتراضات انقلابی زده‌اند. در همین رابطه مردم روستای شیخ چوبیان با سرکوبگران درگیر می‌شوند، که طی آن چند نفر از اهالی و از جمله یکی از زنان دلاور روستا به شدت زخمی می‌شوند. در روستای "مهرده" مزدوران برای جلوگیری از اعتراضات توده‌ها ده نفر از افسران و عاال خود را که قبل از آن نیز مدت‌ها مسلح و در خدمت رژیم بودند به سرانجام اعزام می‌کنند.

روستای "پیر عمران" نیز که چندین بار به همین منظور مورد هجوم سرکوبگران واقع شده و هر بار با شکست مواجه گشته بود، در تاریخ بیست شهریور ماه نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران قرار گرفت که عده‌ای از جوانان دستگیر روانه پایگان های رژیم شدند.

اورامان

همچنین در منطقه اورامان نزدیک به ۳۰۰ نفر از جوانان را با زور و تهدید دستگیر نموده تا آنها را به جبهه‌های جنگ ارتجاعی و نفرت‌انگیز ایران و عراق بفرستند.

سقز

همچنین، مزدوران در تعقیب سیاست‌های ارتجاعی رژیم، در منطقه "گورک" سقز نیز اقدام به سربازگیری اجباری نموده‌اند. در تاریخ ۱۴/۱/۶۴ مزدوران منتظر در جاش‌خانه "مهرده" روستای "قوه چر" را به محاصره درآورده و به دستگیری جوانان می‌پردازند. توده‌های ضفر از رژیم جمهوری اسلامی، نسبت به این عمل جیره خواران اعتراض نموده و با آنان درگیر می‌شوند. طی این درگیری، مردمی از اهالی با ضربه قنداق تفنگ خود فرشان سرکوبگر زخمی می‌شود. سرانجام

هه‌وشار

در تاریخ ۶۴/۵/۲۷ مزدوران رژیم به منظور سربازگیری اجباری، بطرز وحشیانه‌ای به روستای "داش‌بلاغ" هجوم برده و اقدام به دستگیری جوانان می‌نمایند که این حرکت مزدوران با مقاومت اعتراضات اهالی زحمتکش روستا مواجه می‌شود. مزدوران ضمن درگیری با توده‌ها، برای جلوگیری از شدت یابی اعتراضات توده‌ها و ایجاد ترس و وحشت در میان آنان، اقدام به تیراندازی می‌کنند که در اثر آن، سه نفر از اهالی زحمتکش روستا زخمی می‌شوند.



اخبار جنبش نو ده ای

ارومیه

روستاهای شمال کردستان نیز از گزند سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی رژیم برخوردارند. است مزدوران درمنشور رژیم در این مناطق نیز با افسار

شیوه های زور و ارعاب، اقدام به دستگیری و ربودن جوانان کرده اند. در تاریخ بیست و هفتم شهریور ماه عده ای از جانشینان و قشودال ها، به همراهی پاسداران مزدور، با هدف دستگیری جوانان، به روستاهای سوسیناوی، پیرامبا، علییه، هرازی، انیسی و... بطرز وحشیانه ای حمله می کردند اما جوانان این روستاها که از هجوم مزدوران

با خیمه شده اند، روستاها را ترک کرده و به کوه ها و ارتفاعات اطراف روستاها پناه می برند. سرکوبگران که روستاها را خالی از جوانان می یابند، روز بعد یعنی بیست و هشتم شهریور ماه، کوه ها و پناگاه های اطراف روستاها را، به توبو خمپاره می بندند که طی این عمل جنایت کارانه، چند نفر از جوانان زخمی شده و نزدیک به صد نفر از آنان را دستگیر می کنند و با خود می برند.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان

نشانه ترس و ترسویی مردم

در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اگرچه به رغم اختصاص نیروی فراوان و ماشین سرکوب عظیمی که جهت نابودی جنبش انقلابی خلق کرد به کار گرفته است و به رغم متجاوز از شش سال جنایت و کشتار مستند در کردستان انقلابی، توانسته است به اهداف ارتجاعی خود دست یابد، و در پی کار با پیشمرگان دلاور خلق کرد، هر روزه ضحمل شکست های بی دریغی داشته و ضعف و زبونی خود را در این عرصه، آشکارا به ثبت رسانده است، اما از سوی دیگر به عیت کوفته شده است تا با افسار شدیدترین شیوه های ایدئاتی و بکارگیری همه و هرگونه سنگری و آزار توده ها، شکست ها و ناکامی های خود را جبران کند. از این رو مزدوران در پی برآوردن سیاست ها و اهداف ارتجاعی رژیم، در به ستوه آوردن توده های خلق کرد از هیچ گونه جنایتی در حق آنان دریغ نداشته و دارند. روستاها را به توبو و خمپاره بسته و می کنند، خانه های روستائیان را با بولد زور با خاک یکسان می کنند، به اخاذی از اهالی روستاها می پردازند، دام ها و اموالشان را غارت می کنند، مردم را در کوه ها و جاده ها به ربواری می بندند، معصولات روستائیان را به آتش کشیده و روستائیان را با زور و بیگاری می برند، ترس و کشتاری کنند، به هر جنایتی چنگ می اندازند تا مگر توده های انقلابی خلق کرد را از مبارزه بازدارند و مقاومت انقلابی آنان را در هم شکسته و جنبش انقلابی خلق کرد را به شکست بکشانند.

اما، خلق قهرمان کرد، هم اکنون و هر از شش سال جنگ رزمی و تجربه اندوزی، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بخوبی شناخته، و شیوه های مقابله انقلابی و مقاومت دلاورانه، در قبال این وحشیگری ها و افسار فد انقلابی را آموخته اند. رژیم پیچیده و قرون وسطایی علی رغم انتخاب انواع شیوه های سرکوب و آزار، نه تنها خللی در اراده مبارزه - جبهه توده های خلق کرد ایجاد نکرده است، که اعتراضات انقلابی آنان را افزون تر از گذشته برانگیخته و با مقاومت دلاورانه واج پاینده آنها مواجه شده است.

گزارشاتی که در زیر می آید از مؤلفی بیانگر درجه سیمیت مزدوران رژیم و دامنه بکارگیری شیوه های سرکوب و آزار توده ها، و از سوی دیگر روشنگر مقاومت خستگی ناپذیر توده های متصدیده و انقلابی خلق کرد، به همان گسترده گسی است.

پیرانشهر

چندی قبل قشودالهای جاش با همدستی پاسداران مزدور، زحمتکشان منطقه و پیروان اهالی روستاهای زنگ آباد و کرنگ آباد را تحت فشار قرار داده و ضمن آزار و اذیت اهالی، از آنان درخواست اجاره کرده و همچنین خواسته اند که برایشان بیگاری کنند. مزدوران ترانسورهای اهالی را به زور گرفته و از آنها برای گشت مزارع خود استفاده کرده و بدین نحو در کار و زندگی اهالی این روستاها اختلال ایجاد کرده اند.

همچنین مدتی پیش جاشها، از اهالی روستاهای منطقه لاجان می خواهند که زمین های آنها را شخم بزنند. اما مردم در مقابل این خواست ظالمانه مقاومت کرده و به آن تن نمی دهند. جاش ها که با مقاومت اهالی روبرو می شوند سر دست خود را به همراه پاسداران سرکوبگر راهی منطقه می کنند. تا با تطمیع و اجبار آنها را وادار به بیگاری کنند. اما توده ها باز هم زیر بار این خواست ستمگرانه نرفته و دست به اعتراض می زنند. پاسداران برای وادار کردن اهالی به بیگاری به نفع جاش ها، به توقیف حدود ۲۰ ترانکویر مردم منطقه می پردازند، تا از این طریق آنان را وادار به تسلیم نموده و به بیگاری بکشند. توده های متصدیده منطقه بعنوان اعتراض به این حرکت ارتجاعی سرکوبگران به شهر پیرانشهر می روند تا شاید به کارشان رسیدگی شود. اما در آنجا نیز مزدوران سعی در تطمیع زحمتکشان نموده و در صدور آن برمی آیند تا اهالی را به تخمین زمین های جاش ها ترغیب کنند. ولی زحمتکشان منطقه باز هم از آن کار سر باز زد.



اخبار جنبش توده‌ای

و تسلیم خواست آنها نمی‌شوند.

چندی پیش روستای سرکائی نیز مورد یورش وحشیانه مزدوران واقع می‌شود. این عمل مزدوران با اعتراض جدی اهالی خشمگین روستا روبرو گشته و مزدوران مجبور به فرار می‌شوند.

در تاریخ روز دهم شهریور ماه نیز روستای کونه کیج وسط جانش‌ها محاصره می‌شود و مزدوران دیوانه وار روستا را سر آتش سلاجهای خود قرار می‌دهند.

همچنین در تاریخ هجدهم شهریور ماه جانش‌ها با هدف سنگی پاسداران مزدور به روستای "خری آغلان" حمله برده و ضمن تهدید و ارعاب به انزیت و آزار اهالی زحمتکش می‌پردازند.

اشتبوه

اواخر شهریور ماه، جانش‌های مزدور، با چند دستگاه بولدوزر به روستای "کشان" در منطقه دشت بیل "یورش برده و بدون کسری اطلاع قبلی به آنها، خانه‌های روستائیان را با خاک یکسان می‌کنند. ساکنین روستا بعد از این عمل جنایتکارانه آواره و روستاهای اطراف می‌شوند.

همچنین اواخر شهریور ماه جانش‌ها به همراهی پاسداران مزدور جهت آزار مردم به روستای "تجه" یورش می‌برند، آنان ضمن تیراندازی در خانه یکی از اهالی این روستا، موجب مرگ دختر ۱۸ ساله صاحب‌خانه می‌شوند.

دیوانه

پاسداران سرکوبگر متقرر در "قیه باو امید"، واقع در نزدیکی روستای "گول"، در تاریخ بیست و دوم مرداد ماه، با کمال بیرحمی این روستا را به تب و خمه‌ساز می‌بندند. اهالی بیگناه و زحمتکش روستا، در مقابل این عمل جنایت کارانه مزدوران دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران یکی از اهالی را دستگیر می‌کنند که بدینحال آن اعتراض توده هائدت یافته و خواستار آزادی فرد

دستگیر شده می‌گردند. جنایتکاران، از ترس این کپری اعتراضات و از آنجا که برای مقابله در مقابل حرکت ضحید توده ها را نداشته‌اند، ناچار به آزاد کردن فرد مذکور می‌شوند.

همچنین چندی پیش تعدادی از جانش‌ها، تحت عنوان پیشمرکه به روستای "کیزل" رفته و از آنان طلب کمک مالی می‌کنند اما اهالی روستا که چهره گریه این اوباشان را می‌شناختند، از دادن هرگونه کمک مالی خودداری می‌ورزند. جانش‌های مزدور که با نسل به این نیرنگ به هدف خود نمی‌رسند آشکارا به تهدید اهالی پرداخته و بازور سونیزه مبلغ ۵۰۰۰ تومان از مردم روستا اخاذی می‌کنند.

ربط

یکم شهریور ماه، مزدوران صلح رژیم، دیوانه وار به ارتفعات "کانسی پیکه" یورش می‌برند و بعد از آنکه مدت زیادی به تیراندازی می‌پردازند، برمی‌گردند. مزدوران وحشی در مسیر برگشت خود، به هرکسی که برمی‌خورند او را مورد حمله قرار می‌دهند و از جمله به شکست وحشیانه ای به بیلا، نشین هلا حمله ور شده و به روی آنان تیراندازی می‌کنند که ضمن این افسوسال درمناشه، یکی از اهالی روستای "نو آوی" کشته می‌شود.

همچنین سیاه پاسداران سر دشت و "میرآباد" اهالی روستاهای "چویل"، "شیلان"، "سیرک پیکه"، "زردنگان" و چندین روستای دیگر را به منظور تخلیه مناطق تحت فشار قرار داده‌اند.

نقده

در تاریخ هجدهم مرداد ماه، مزدوران به روستای "قلاکون" از روستاهای نقده یورش می‌برند و با اعمال زور و تهدید، مبلغ ۲۷۰۰۰ تومان از اهالی این روستا اخاذی می‌کنند، غارتگران پس از گرفتن این مبلغ از روستائیان، وحشیانه به خانه ها ریخته و به چپاول اسباب قیمتی و زور آلات می‌پردازند.

مهاباد

در تاریخ ششم شهریور ماه،

مزدوران رژیم، جهت به منسوب آوردن توده های اهالی، به روستای "هاجی‌دوره" حمله می‌برند و با اعمال زور و تهدید به انزیت و آزار آنها می‌پردازند که این عمل وحشیانه سرکوبگران، با اعتراض انقلابی توده ها، روبرو گشته و زحمتکش روستا مواجه می‌شود و متعاقب آن، مزدوران جیره خوار با سنگ و چوب مورد حمله اهالی قرار می‌گیرند و شعاری از انسان زخمی می‌شوند. مزدوران بطرز وحشیانه ای به ضرب و شتم اهالی پرداخته و به هر سو تیراندازی می‌کنند. و موجب زخمی شدن تعدادی از اهالی می‌گردند. موقع تهاجم انقلابی یکی از زنان زحمتکش به مزدوران سرکوبگری می‌شود اما به گلوله قرار گرفته و به شدت زخمی می‌شود. زنان دیسر روستایی که شاهد این صحنه هستند، به شدت خشمگین شده و دسته جمعی به سنگ و چوب و هرچه که در دستشان هست، سرکوبگران را مورد حمله انقلابی قرار می‌دهند. مزدوران که کیج و هراسان شده بودند، دیوانه وار به تیراندازی ادامه می‌دهند که در اثر آن یک نفر از خود مزدوران زخمی می‌شود. سرجمعین سرکوبگر، با تلاش هرچه بیشتر سعی می‌کنند مردم خشمگین و مستعبد را که یکبارچه به مقابله برخاسته‌اند غم و قبح کنند. مزدوری لوله تفنگ خود را روی سینه یکی از اهالی گذاشته و ضمن تهدید، قصد جان او را می‌کند، که فرد روستایی با گرفتن لوله اسلحه او و انحراف جهت تیراندازی، باعث می‌شود گلوله به سوی دیگری شلیک گردد. سرانجام طی این درگیریها چندین نفر از اهالی زخمی می‌شوند که سه نفر از آنان زخمهای شدیدتری برمی‌دارند.

جنایت کاران، به این درجه از سمیت اکتفا نکرده و زخمی شدگان را طناب پیچ نموده و به اصطلاح برای عبرت دیگران، در رواقه برای ارباب اهالی منطقه، آنها را به روستای "سیره ده" می‌برند تا درنده خوئی خود را به نصایبش بگذارند. اما اهالی این روستا، از این حرکت جنایت کارانه مزدوران به شدت خشمگین شده و دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران برای جلوگیری از گسترش اعتراضات، روستا را ترک می‌کنند و مردم روستا، در ادامه اعتراض خود، به طرف پایگاه به حرکت درمی‌آیند.

همچنین یکم شهریور ماه سرکوبگران، با بسیج نیروی زیاد،



اخبار جنبش توده‌ای

بطرز وحشیانه‌ای به روستای کانی شینگی در این منطقه حمله می‌برند و سپس با پولک و زور به تخریب خانه‌ها پرداخته و روستا را با خاک یکسان می‌کنند. اهالی زحمتکش روستا، بی‌سرنه، آواره و گوه‌ها و روستاهای اطراف می‌شوند.

سردشت

بدنیال عطیات قهرمانان به پیشمرگان در این منطقه که طی آن ضربات کاری بر پیشمر پیاده رژیم وارد آمده است و سرکمران محمل تلفات سنگینی شده‌اند. مزدوران رژیم ناتوان از مقابله با پیشمرگان و برای جبران شکست ضعف و زبونی خود در عرصه پیکار، به روستاهای این منطقه وحشیانه یورش می‌برند، تعدادی از روستائیان را دستگیر نموده و برخی از آنان را در اثر اندیش و آزار زیاد و اعمال شیوه‌های سرکوب، مجبور به ترک روستا می‌نمایند.

همچنین در تاریخ دوازدهم شهریور ماه، جانی‌های مزدور و پاسداران سرکمر، روستای وردی را محاصره کرده ضمن اندیش و آزار اهالی، آنان را با زور و تهدید به پایگاه‌ها می‌برند و سلاح‌هایی را که قبلاً و در جهان تسخیر پایگاه توسط پیشمرگان مبارز به غنیمت گرفته شده است، از آنان طلب می‌کنند.

بوکان

مزدوران رژیم با کمک و همدستی جاش‌ها، در منطقه پیرمحمد دست به دزدی زده و به غارت و چپاول اموال مردم پرداخته‌اند. چندی پیش روستای دار به سر از سوی این راهزنان مورد هجوم واقع شده که طی آن ۴۷ راس از گوسفندان ضلوع به اهالی به سرقت می‌رود.

همچنین روستای حسین - آبار در تاریخ شانزدهم شهریور ماه، مورد یورش وحشیانه مزدوران سرکمر واقع می‌شود.

سرانجمین جنایت کار، با اعمال زور و ضرب و شتم، ساکنین روستا را از خانه‌ها بیرون آورده و به تخریب خانه‌ها می‌پردازند. بدنیال این عمل وحشیانه، زحمتکشان این روستا، آواره گیوها و روستاهای اطراف می‌شوند.

در تاریخ پانزدهم شهریور ماه نیز، مزدوران سرکمر رژیم، طی یک هجوم وحشیانه به روستای کهنه ملال و ایجاد رعب و وحشت، به آزار و اندیش اهالی پرداخته و پنج نفر از آنان را دستگیر می‌کنند و به همراه خود می‌برند. روز بعد، مردم زحمتکش روستا، در اعتراض به عمل وحشیانه سرانجمین و برای آزادی دستگیرشدگان به طسرف پایگاه می‌روند. فرمانده مزدور پایگاه برای پیشگیری از تجمع و گسترش اعتراضات اهالی سعی می‌کند تا از آغوش روستا استفاده کرده و توده‌های مجتمع را برانگیزد. اما مردم خشمگین به این شیوه فرمانده مزدور وقتی نگذاشته و ضمن ادامه اعتراض، درخواست خود یعنی بر آزادی طبقه دستگیرشدگان با فشاری می‌کنند و در تداوم این اعتراضات است که مزدوران مجبور به عقب‌نشینی شده و دستگیرشدگان را آزاد می‌کنند.

ارومیه

بدنیال عطیات قهرمانان به پیشمرگان در منطقه "سرگور" که طی آن مزدوران رژیم به سختی ضربه می‌خورند، سرکمران برای جبران شکست مقننخانه خود، از پایگاه‌های اطراف روستا، های "هاتم آبار" و "هز آبار" بطرز وحشیانه‌ای منطقه را به توب و خمپاره می‌پندند. طی این عمل جنایت‌گرایانه روستای "قادر" خسارات مالی فراوانی دیده و ۶ پسرچه جان خود را از دست می‌دهند.

همچنین، بدنیال عطیات مشابهی از جانب پیشمرگان، در درگیری "کانی سبی" به تاریخ دهم شهریور ماه که ضمن آن تلفات زیادی به سرکمران وارد شد، روز بعد، مزدوران با سمیت تمام برای جبران شکست‌های خود، به این روستا یورش می‌برند و

پس از آزار و اندیش اهالی، روستا را به آتش می‌کشند و در کمال بهتری آن را به پیشمرگان نسبت می‌دهند.

سنندج

روستاهای اطراف سنندج نیز برکنار از وحشیگریها و سنگریهای سرکمران رژیم نبوده است. اهالی بسیاری از روستاهای این شهر نیز، مورد آزار و اندیش مزدوران قرار گرفته‌اند. اما به رغم اعمال سرکمرهای خشن و جنایتکارانه از سوی رژیم، توده‌های خلق، ساکت ننشسته‌اند و ضمن اعتراض علیه رژیم و سیاست‌های ارتجاعی آن، به مقابله انقلابی با مزدوران پرداخته و در موارد بسیاری آنان را واداره عقب نشینی کرده‌اند.

چندی پیش اهالی زحمتکش روستای "نگل" در مسیر جاده سنندج - میوان، دست به یک حرکت اعتراضی علیه مزدوران رژیم می‌زنند. این حرکت که در اعتراض به تیراندازی مزدوران به طرف چند نفر از کارگران که منجر به زخمی شدن یکی از آنها می‌شود، برپا شده است، در ادامه خود و با تجمع اهالی روستا و راهپیمایی آنان، ضمن انتقال کارگر زخمی به بیمارستان، تبدیل به تظاهراتی می‌شود که طی آن توده‌ها با دادن شعارهای انقلابی، تنفر عمیق خود را از رژیم و مزدوران رنگارنگش به نمایش می‌گذارند. آنان ضمن این تظاهرات به یک جاش و یک پاسدار که عامل تیراندازی بوده‌اند، دست یافته، و خشم و کینه خود را تشار آنها می‌کنند. مزدوران که ترس و وحشت سراهای وجودشان را گرفته بود جرات هیچگونه اقدامی را، در جلوگیری از حرکات انقلابی اهالی، به خود نمی‌دهند.

همچنین روستای "زونج" در تاریخ دهم مرداد ماه شاهد یک حرکت اعتراضی علیه مزدوران بود. بر اثر تیراندازی مزدوران سرکمر در روستای فوق، انبار علوفه زمستانس یکی از اهالی دچار حریق می‌شود. اهالی روستا، در اعتراض به این حرکت تجاوزکارانه مزدوران، بطور



اخبار جنبش نوده ای

دسته جمعی و ضمن دادن شعار علیه فرمانده پایگاه سرکوبگران، بطرف پایگاه راهپیمائی می کنند. مزدوران سرکوبگر که از بهارچگی حرکت اهالی روستا نوسیده بودند، مجبور به تعویض فرمانده مزدور پایگاه می شوند.

مدتی قبل، یکی دیگر از روستاهای منتدج نیز به نام «کلاته» شاهد اعتراضات شور انگیزی علیه مزدوران سرکوبگر بود. به دنبال کشته شدن یکی از اهالی این روستا و زخمی شدن فرد دیگری از اهالی، بر اثر تیراندازی فرمانده پایگاه اهالی زخمکش روستا، محمدا دست به تظاهرات زده و علیه مزدوران به دادن شعارهای انقلابی می پردازند. آن در حین تظاهرات، با یک ام انقلابی، فرمانده مزدور بتکار پایگاه را دستگیر نموده را نزد خود نگاه می دارند. سا مزدوران، با تسلیح به تیرک و فریب و به بهانه اینکه می خواهند او را تحصیل دادگاه بدهند، موفق می شوند پس از چند روز فرمانده جانی را از چنگ نوده ها درآورده و سپس سرعام او را از منطقه خارج کرده و روانه سنج می کنند.

سنج

جاسوسان و سرکوبگران رژیم، به منظور دستگیری پنج نفر (دختر) به جرم حمایت و طرفداری از جنبش انقلابی خلق کرد در تاریخ ۱۴/۵/۶۴ به بنای «قره پلاغی» در منطقه فیض الله بیکی حمله کرده و آن روستا را به محاصره خود درمی آورند. این عمل مزدوران با اعتراض شدید اهالی روستا می شود. اما مزدوران ضمن تهدید و ارعاب اهالی، و با اعمال زور و سرکوب افراد پادشاه را دستگیر نموده و همراه با دو تن دیگر از اهالی روستا، آنها را با خود می برند. مردم روستا، در ادامه اعتراض خود نسبت به این حرکت، بطور دسته جمعی روانه شهر شده و جلوفرمانداری تجمع می کنند و مجدداً خواستار آزادی افراد دستگیر نشده می گردند. سرکوبگران ناچار به تسلیم شده و دستگیرشدگان را آزاد می کنند.

چند خبر از کردستان

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست های ضد مردمی خود، با یکدیگر به دستفروشی ها و دکه داران این شهر حمله بردند. در تاریخ پنجم شهریور ماه، عاملین و جیره خواران رژیم به دستور شهردار مزدور این شهر، شبانه و دور از چشم مردم به دکه ها و صاییل دستفروش ها و حشایه پوروش برده و ضمن تخریب دکه ها به غارت اموال و صاییل زحمتکشان می پردازند. سرکوبگران رژیم، در ادامه و تکمیل این عمل و حشایه خود، روز بعد نیز با ماشین های آب پاش به دکه ها و صاییل دستفروش ها حمله برده و وسائل انسان را تخریب و ضایع می کنند. زحمتکشان دستفروش در مقابل این وحشیگریها، دست به مقاومت می زنند و بیش از ۶۰ نفر از آنان دو روز متوالی در مقابل فرمانداری تجمع کرده و نسبت به این حرکت درمناشه مزدوران اعتراض می کنند و علیه آنان شعار می دهند. آنان همچنین بر خواست خود مبتنی بر رسیدگی به وضع کار و جبران خسارات وارده با فشاری می کنند. اما مزدوران شهریانی با حمله و حشایه خود، در صدر پراکنده نمودن آنها برمی آیند.

مزدوران رژیم در اواخر ماه نیز برای چندمین بار، دکه داران و دستفروش های این شهر را مورد حمله قرار داده و ضمن آذیت و آزار آنها، توانا به تخریب و غارت اموال و صاییل آنها می پردازند. دستفروشان و دکه داران، که خود از روی ناچاری و فشار بیکاری و برای تأمین لقمه ای نان، به این کار روی آورده اند، در اعتراض به این حرکت و حشایه و برای جبران خسارات وارده در جلوفرمانداری تجمع می کنند. مزدوران رژیم با کمال بی شرمی آنان را از دست - فروشی منع کرده و در عوض به پرداختن اسلحه رژیم ترغیب و اجبار می کنند. اما مردم زحمتکش ضمن دادن شعار علیه رژیم می گویند: «اگر ما را بکشید به نفع رژیم مسلح نمی شویم» و متعاقب آن بر شدت اعتراضات آنها افزوده می شود. مزدوران از نرس گسترش این اعتراضات، وحده می دهند که به خواستهایشان

رسیدگی نمایند. در اواخر مرداد ماه نیز، مزدوران به منظور جمع آوری دکه ها و دستفروشی های واقع در «گراز حاجی صفری» در این شهر حمله برده بودند که با مقاومت و اعتراض مردم روبرو شده بودند. دستفروشان با مزدوران درگیر گشته و طی آن یکی از پاداران مزدور به شدت کتک خورده بود. حرکت اعتراضی شدید حالت تظاهرات به خود گرفته بود، بطوریکه مردم، خود رو مزدوران را به داخل جوی خیابان انداخته بودند. سرکوبگران برای پیش گیری از شدت یابی این حرکت اعتراضی توده ها، به تیراندازی هوایی پرداخته بودند و چند نفر را دستگیر کرده بودند، که یکی از دستگیرشدگان موفق به فرار شده بود.

صلح به نفع ...

از صفحه ۱۵

مقها کومه له فقط طرحی را طرح می داند که پشتیبان و جانبدار او باشد، نه پشتیبان و جانبدار خلق کرد! کومه له فقط طرحی را عملی می داند که منافع او را تأمین کند و حرف او را تکرار بکند و تحلیل او را از اوضاع کردستان ارائه دهد.

حالا اگر تمام کمونیستهای ایران و جهان هم جمع شوند و بپرسند جدا از شعارهای توخالی جناب نصندگان کومه له در کدام دوران از حیات بشر ماله خود و در چه برنامه عملی متافسح طبقه کارگر را پیش برده و در کجای این کردستان در عرصه عملی مبارزه در مقابل حزب دمکرات، نماینده رادیکالیسم جنبش برده اند؟

آیا کومه له جز سکوت چاره ای دارد؟ اگر ما بگوئیم و اقتضای داشته باشیم به اینکه کومه له نیز همانند حزب دمکرات بشکل دیگری نماینده ناسیونالیسم و گرایش ملی خلق کرد است، نه نماینده رادیکالیسم این جنبش، آیا باز هم باید از این تمایلات پشتیبانی کنیم؟ کومه له می گوید بله و آن را شرط انقلابیگری و دفاع از آزادی و دمکراسی می داند پس حتماً اینهم یک نوع دمکراسی است! و برآستی این شرط کومه له چه تفاسی دارد؟ همان شرط حزب دمکرات که از کومه له خواسته است او را انقلابی راستین بنامد!

صلح به نفع جنبش

یا

جنگ برای جلب محافل خارج

از صفحه ۲۰

و این احکام بدیهی را نمی فهمیم! نیت باطنی این نویسندگان صاحب دست از نیت دادن حتمی بلاهت به ما و فرزانی به خود، هرچه می خواهد باشد اما یک چیز مسلم است و آن اینکه چنین تصویری از دو حزب متخاصم و از افراط کردستان ابداً با واقعیات منطبق نیست. نشریه کمونیست اضافه می کند:

"کومه له دائماً بر این نکته تأکید کرده است که خواهان مبارزه نظامی با حزب دمکرات نیست و بر این اعتقاد است که اختلاف میان دو حزب باید از طریق سیاسی و نه نظامی و بر اساس قیامت و انتخاب مردم فیصله یابد!"

اما نشریه حزب کمونیست کومه له فقط با چند جمله در شروع این مقاله ضمن دیگری را به دست می دهد که هیچ چیز جز نقض این گفتار و آشکار ساختن تنگ نظری های خاص خرده بورژوازی این جریان نیست. او آنچنان با افتخار از دست آوردهای این جنگ دم می زند که گویا تمام دنیا چشم به فتوحات نظامی او دوخته و مآهکارهای نظامی اثر را بسا تحسین می نگرند. ملاحظه کنید:

"جنگ کومه له و حزب دمکرات علاوه بر اینکه نتیجه همه مردم را به خود مشغول کرده است، در خارج کردستان و خارج ایران هم به موضوع بحث و اظهار نظر گروهها و احزاب سیاسی و هوا داران آنها بدل شده است. اولین نکته ای که این جنگ و تداوم چند ماهه آن بدون هیچ مقابضی به همگان فهماند، این بود که تصور عمومی از تعادل و توازن قوای حزب کمونیست و حزب دمکرات در کردستان غلط بوده است و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد."

حزب کمونیست کومه له که دلش برای معروفیت های حزب دمکرات در میان افکار سوسیال دمکراتی

ارواحی قشج می زند، با کپسور غرور بی نظیری در وصف بار آوری این جنگ قلم فرسایی نموده - است، آنچنانکه باید گفت این جنگ بیشتر از آنکه به درست شرایط مساعد را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده باشد، شواهد مساعد برای حزب کمونیست کومه له فراهم کرده است. این نشریه ادامه می دهد:

"افکار عمومی در خارج از کشور همواره رهبران این حزب را روی صفحه تلویزیون و مطبوعات بعنوان قدرتمندترین رهبران جبهه پیش کردستان دیده و شناخته است و اکنون که خبر درگیری های گسترده کومه له و حزب دمکرات و خیر شکست خوردن و بی حاصل ماندن و دفع شدن حتمی بزرگترین لشکرکشی های دمکراتها در قبال کمونیستها (یعنی پیشمرگان کومه له) و بیجا پخش شده است، بسیاری از معانل سیاسی ناگزیر از به رسمیت شناختن این قدرت تازه شناخته شده و باز کردن حساب جدیدی برای آن شده اند!"

واقعاً که افتخار بزرگی است! کسب شهرت برای این جریان ناشناخته حتی به قیمت جنگی که به نفع رژیم جمهوری اسلامی تمام شود! طبیعی است و کسی که نماینده حزب کمونیست کومه له در خارج از کشور در محابه با خبرنگار بی بی سی از پیروزی های قطعی رژیم در کردستان دم بزند و مناطقی را که امروز زیر نفوذ قدرت انقلاب خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آنست درست زیر نفوذ و کنترل ارتش بعصاب بیاورد، دیگر چه جای افتخار و عرض اندام باقی نمی ماند! این نشریه ادامه می دهد:

"وقتی جنگی در جریان است هیچکس یا موجه "دست از جنگ بر ندارد" بر جایز نخواهد نشست، چرا که این جنگ ادامه سیاست است. سیاست های دو حزب متفاوت که دو نوع نظم - دو نظم تضاد را - برای کردستان می خواهند!"

حالا چرا کومه له حاضر است با اجرای آتش بس و پایان دادن به این جنگ بر سر نظم دلخواه خود پا به رقص او نظم مورد نظر خلق کرد با حزب دمکرات سازش کند، باز تفاوض دیگری

است که جواش را باید در همان دامنستان مطرح شدن از طریق تلویزیونها و مطبوعات غربی جستجو کرد.

از این هم که بگذریم، نویسندگان این نشریه که تصور می کنند در حالت در جنگ ما بین آنها و حزب دمکرات/عمره کسب شهرت است و نه وظیفه، این یا آن نیروی سیاسی حتی از تحریف واقعیات هم برای افزودن بر افتخارات خود آگاهی نداشتند. نشریه حزب کمونیست کومه له می نویسد:

"تحلیل گران و نویسندگان متصف، علیرغم پرکاری نشان هنوز هیچ راه حل سیاسی و قابل اتخاذ پیش پای هیچکس نگذاشته اند و معلوم نکرده اند که برای خاتمه دادن به این جنگ جز موعظه چه باید کرد!"

و اضافه می کند:

"آنچه یزی که کم و بیش در همه این نوشته ها و مضامینها چشم می خورد، از یکسو تأکید بر لزوم صلح و از سوی دیگر طفره رفتن از پرداختن به ماهیت دعوا و بنا بر این طفره رفتن از جانبداری و پشتیبانی صریح از یکی از طرفین دعواست." در صورتیکه فقط به اعتبار یکی از شرطهای حزب دمکرات که از ما می خواهد اعلام کنیم حزب دمکرات حزبی اصیل و انقلابی است، کافی است که ما از هر نیرو و یا فرد آزادخواهی به ویژه از آنان که خود را چپ رادیکال و انقلابی و دمکرات می دانند، بخواهیم که اگر در فکر منافع جنبش انقلابی چه در کردستان و چه در سراسر ایرانند باید بر این جدی جانبدار ما باشند. "اسر ز هر نیرویی که مدعی انقلابیگری و دفاع از آزادی و دمکراسی است، چنانچه خواهد در صدد در عرصه واقعی مبارزه به ادعای خود بپردازد، باید از حمایت از ما در برابر حزب دمکرات نخواهد داشت!"

پس علت این تحریف هم روشن شد! پس نیروهای سیاسی برنامه علمی داشته اند! اینها باید اشاره کنیم به طرح عملی کهنه کردستان سازمان که حتی خود کومه له نیز قبل از پلن سوم اخیر خود، چیزی جز چهارچوب اصلی آن ارائه نداده بود.

گزارشی کوتاه از...

از صفحه ۲۰

و نفرت صبیق توده های خلق کرد را نسبت به خود می دانست به این شیوه اکتفا نکرد و با درپیش گرفتن اقسام شیوه های ارتجاعی دیگر، مزدوران سرکوبگر خود را گله گله به شهرها و روستاها روانه کرد و با ایجاد جو رعب و وحشت، به تهدید توده ها پرداخت تا شاید از این رهگذر، اهداف ضدانقلابی خود را پیش برد. آنان از سوزی برای جلب و جذب توده ها، به شیوه های منورانه از تشویق و تلاش در جهت

تطمیع توده ها گرفته تا تهدید و ارباب و اعمال فشار و حتی تهدید به قطع کمرین های خوار و پابر اهلای تحمل جستمند تا به اهداف ارتجاعی خود دست یابند.

اما در کردستان انقلابی، خلق قهرمان و رزمنده کرد که در پروسه مبارزه عادلانه و انقلابی چندساله و در عرصه نبرد رزمی خود در طول حیات تنگین و جنایت بسیار حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، با حمایت آفرینی های خونین و وارد آوردن ضربات متعدد و مرکب بر مزدوران و پامداران رژیم پیسیده جمهوری اسلامی، نشان داده بود و نشان داده است که دشمنان قسم خورده خود را بخوبی شناخته است و کترین توهمی نسبت به

آنان ندارد، با تعزیم یکبارچسه انتخابات دروغین و مزحکه آمیز رژیم نه تنها بی لصداری خود را نسبت به رژیم در این عرصه نیز به ثبوت رسانده که درجه آگاهی و خشم کینه و نفرت عمیق تپقه خود را نیز نسبت به رژیم و همه مزدوران و نگارنگ آن به نمایش گذاشت و نشان داد که حمایت های ارتجاعی رژیم تبلیغات گر کننده و اختصار شیوه های رزبانیه سرکوبگرانه از سوی او، هیچگونه کار اثباتی و پوری نداشته، ندارد و نخواهد داشت و بطور حتم محکوم به شکست است. نمونه هایی از برگزاری انتخابات در شهرهای مختلف کردستان که در زیر می آید، همین این واقعیت است.

بوکان

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، چند روز پیش از برگزاری انتخابات، با گسیل نیروی زیادی از مزدوران خود به شهر و منطقه، دست به ارباب اهلای زده و آنان را تهدید کرده بود چنانچه در انتخابات شرکت نکرده و شناسنامه آنها مهر نخورد، کمرین ها خواروار آنها قطع خواهد شد. اما به رغم حضور نیروهای سرکوبگر رژیم و تهدیدات کسر آنها و ایجاد جو پلیسی و اختناق، شعارهای فراوانی در تحریم انتخابات، در سطح شهر برادر و دیوار نوشته شده بود و بخش عظیمی از مردم زحمتکش بوکان در انتخابات شرکت نکرده و آنرا تحریم کردند.

مزدوران که صندوق های آرا را در برخی مدارس و ادارات تقیر کرده بودند، مزید بر آن، صندوق های بسیار را در خیابانهای شهر می گردانند و بطور مداوم از طریق بلندگوها از مردم خواسته می شد که رأی بدهند. پیش از ظهر روز ۲۵/۵/۶۴، بجز دهه قلیلی از کارمندان ادارات، که از ترس از دست دادن کارشان رأی دادند، عموم توده های مردم بوکان، انتخابات گذاشتی رژیم را تحریم نمودند، بطوری که بعد از ظهر همین روز اطراف صندوق های رأی بکلی خالی بود. اما مزدوران رژیم برای چینه سازی و به قصد جمع آوری آرا، پیشتر، مدت دو ساعت وقت انتخابات را تهدید کردند.

مزدوران همچنین با ارسال صندوق های رأی به رستاهای اطراف شهر و اعزام نیرو جهت ارباب توده ها، سعی در برگزاری انتخابات کردند. آنان تلاش نمودند از خود اهلای در برآوردن اهداف ارتجاعی خود استفاده نمایند و به شورا های رستاهای منطقه "غی اللہ بیگی" اخطار کرده و از آنها خواسته بودند که امر برگزاری رأی گیری و حفاظت از صندوق آرا را بعهده بگیرند، ولی شورای این رستاهای ضمن بی اعتنائی به این خواست مزدوران مخالفت خود را با آنان ابراز داشته و همبستگی خود را نیز با تحریم کنندگان انتخابات نشان دادند.

اهلای رستاهای "ترغه"، "نه بی"، "علم آباد"، "آشگلان"، "آجی گند"، "قازلیان"، "خرابانه"، "داه گره له"، "کانی پنکسه" و "خانقاه" تماماً انتخابات فرمایشی را تحریم کردند و مزدوران سرکوبگر رژیم در حوزه انتخاباتی رستای "ناجیت" که محل رأی گیری چندین رستای اطراف بود، پس از تهدیدات کسر و اعمال شدیدترین فشارها نتوانستند تعداد بسیار قلیلی رأی جمع کنند.

مزدوران سرکوبگر رژیم، همچنین برای جمع آوری آرا، اهلای رستاهای "نهبی"، "آلتون"، "دائر الوجه"، "کانه"، "چوژنی"، "پسر پونس"، "آکملو" و "گاوه شله" را تحت فشار قرار داده و با زور سرنیزه و قندان تفنگ آنان را به پای صندوقهای

رأی می کشیدند. اما علی رغم این همه فشار و تهدید توده ها مقاومت کرده و نهایتاً برای مهر خوردن شناسنامه ها یکی از اهلای، شناسنامه ها را جمع آوری کرده و در صندوقها رأی سفید می اندازد.

بانه

انتخابات نمایشی رژیم در منطقه بانه نیز با شکست مواجه شد و اهلای مناطقی چون "میدانان"، "اربابیسه" و "حبه وانه" از شرکت در انتخابات خودداری کردند. سرکوبگران علیرغم تهدیدات خود و ترساندن توده ها از قطع کمرین خوار و بار، مایه ازگشاندن توده ها به پای صندوق های رأی، با دست خالی، صندوق های آرا را بازگردانند. آوارگان شهر بانه نیز همچون سایر مناطق کردستان، انتخابات را تحریم کردند و تلاش های مزدوجانه مزدوران در جهت جمع آوری آرا، بی نتیجه ماند.

سردهشت

مزدوران رژیم از انتخابات در منطقه سردهشت نیز هیچ طرفی نیستند چرا که بانی این منطقه نیز انتخابات را تحریم کردند. در رستای "بن خلف"

گزارشی کوتاه از...

که محل استقرار صندوق و اخذ آراء چندین رستای اطراف نیز بوده است، فقط تعداد ۳۶ رای به داخل صندوق ها ریخته شده که بیشتر آنها مفید بوده است.

سریل زهاب

مردم این شهر و اهالی رستاهای اطراف عموماً به تحریم انتخابات پرداختند. بطوری که از کل ۲۳۰۰ رای جمع آوری شده در منطقه فقط محدودی متعلق به سردمی بود که تحت اجبار رای داده بودند و مابقی متعلق به سرکشیگران ارتشی و پاسدار و دیگر عوامل رژیم بود.

نقده

در شهر نقده نیز انتخابات فرمایشی رژیم با شکست طرفداران سواجه شد و به رغم تبلیغات گسترده مزدوران جهت شرکت توده ها، آنان از دادن رای قیام امتناع کرده و انتخابات را تحریم کردند.

کرمانشاه

عوامل رژیم چند روز قبل از انتخابات در کلیه رستاهای مناطق "بیلوار" و "زایه رود" و دیگر مناطق کرمانشاه و کامیاران، وسیعاً دست به تبلیغ زده و اهالی این مناطق را تهدید کردند که در صورت عدم شرکت در انتخابات کوبن های خوار و بار آنان قطع می شود. این مزدوران جیره خوار که به نتیجه بخش بودن تهدیدات خود اطمینان چندانی نداشتند و خوب می دانستند که اهالی زحمتکش مناطق، به این تهدیدات و قهسی ننهاد و ترسی به دل راه نخواهند داد، روز ۶۴/۵/۲۵ با بسیج نیروی زیاد حمله گسترده و وحشیانه ای را علیه مردم این

مناطق آغاز می کنند اما، با وجود اینکه رستاهای از جانب مزدوران محاصره شده و رستائیان مورد ضرب و شتم واقع می گردند، سرکشیگران در رست پای به اهداف ارتجاعی خود ناکام می مانند.

دیواندره

در منطقه دیواندره نیز علی رغم ارباب و تهدید توده ها، جز عده کمی از آنان به پای صندوق های رای نرفتند که این عده نیز پس از نوشتن عبارت "خودمختاری" بر روی ورقه رای آن را به داخل صندوق انداختند. در همین رابطه از ... ه برگه رای رستای "تاله سوار" ... رای آن تحت عنوان "خودمختاری" بوده است.

پیرانشهر

انتخابات فرمایشی در این شهر نیز با شکست مواجه شد. مزدوران رژیم توانستند صندوق های خود را به بسیاری از رستاهای اطراف ارسال کنند و در رستاهایی که صندوق آرا نیز حمل شده بود، مزدوران موفق به رای گیری شدند. در خور شهر پیرانشهر نیز در صندوق صید جامع که مرکز اصلی رای گیری شهر بوده است، فقط تعداد پانصد رای شمارش شده است.

سنندج

شهر سنندج نیز همچون دیگر شهرهای کردستان پیش از برگزاری انتخابات شاهد تبلیغات گسترده و اقدامات سرکشیگران مزدوران رژیم بود. عوامل جیره خوار رژیم یک هفته قبل از انجام نمایش ضحک خود، برای فراهم کردن زمینه شرکت توده ها در انتخابات و برای وادار نمودن آنان به رای دادن از هیچ گونه تهدید و ارعاب فروگذار نکردند. آنان توده ها را تهدید به قطع کوبن خوار و بار و محروم ساختن آنان از سهمیه لوازم زندگی نموده و بسیاری در هم شکنین روحیه مقاومت مردم زحمتکش، آنان را تهدید به دستگیری، زندان و خمپاره باران

مناطق سکونی نمودند. اما علی رغم همه این تلاشهای ضدبهباه رژیم و شیوه های ارتجاعی و ضد انقلابی بکار گرفته شده از سوی او، روز انتخابات شهر کاملاً خالی بود. توده ها پس از استفاده از شیوه های ابتکاری و به انحاء مختلف از رای دادن خودداری کرده و عده کثیری از آنها به بهانه گردش از شهر خارج شدند. تعداد رای دهندگان در مجموع و با توجه به جمعیت آنقدر کم بود که مزدوران، دو بار و هر بار دو ساعت مدت زمان رای گیری را تمدید کردند. بخش اعظم آراء ریخته شده به صندوق ها متعلق به نیروهای سرکشیگر رژیم بود و تعدادی را کارمندان ادارات تحت شرایط زور و فشار اجباراً به صندوق ها ریخته بودند.

در محله "کانی کوزه له" که مزدوران برای جمع آوری رای رفته بودند با اعتراض مردم مواجه شده و مجبور به ترک محله گشتند. جوانان علی رغم افعال زور و تهدید از جانب مزدوران، صراحتاً اعلام داشتند که حاضر به شرکت در انتخابات نیستند. در برخی دیگر از محله ها از جمله محله های "حاجی آبار" و "شریف-آبار" عده خیلی کمی به پای صندوق ها رفتند.

در کارخانه "شاهو" کارگران مبارز جلوه ای را که فرمانده ار مزدور شهر برای تبلیغ مسئله انتخابات و تشویق کارگران به شرکت در آن گذاشته بود، بسا اعتراض ترک کرده و یکبارجه این مراسم نمایش را تحریم کردند.



گسترش مبارزات اعتراضی...

از صفحه ۲

حصول به چنین امری را در سیاست های امروز خود فراهم نمایند. و با درک این وظیفه و این واقعیت، به نقش و سهم خود در ایجاد وضعیت بحرانی کنونی در سطح جنبش انقلابی خلق کرد و وقف حاصل نموده، راه بیرون رفت از آن را در عمل ارائه نمایند و حقانیت این یا آن سیاست تنها در محک برخورد به واقعیات مبارزه است که سنجیده می شود و نه چیز دیگری.

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

انور اعظمی

سوم شهریور سه سال از شهادت پیشمرگه فدائی، رفیق انور اعظمی گذشت. رفیق انور یکی از اعضای سازمان، یک انقلابی آگاه و کمونیستی خستگی ناپذیر بود و تمامی زرات وجودش آکنده از عشق به توده ها بود، چیزی که همواره به دورتی زاید الوصف بر این رفیق نیرومندی بخشید و در زندگی واقعی پیوندهای او را با زحمتکشان مستحکم تر می نمود.



اعضای کارگران و زحمتکشان، دمرگرمی و موصالیم او را به جرگه رزمندگان بی رهنمون ساخته بود، که تا پای جان برای تحقق آرمان های والا از هیچ تلاشی دریغ نخواستند و در زندگانی خود را بخدمت سازمان گرفت و در جنب و جوش مداوم خود در میان توده های مردم از جمع همزمان و در تشکیلات همواره نمونه یارنی از یک انسان قابل و شایسته و یک رفیق وفادار به سازمان بود. رفیق انور پس از ۶ سال مبارزه انقلابی در صفوف سازمان سرانجام در حالیکه مسئولیت سیاسی تشکیلاتی یک دسته از پیشمرگان فدائی را به عهده داشت، در جهان خلق مصلح گسروه غربت پایگاه حرم مقدس شهریور ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

یادش جاودان باد!

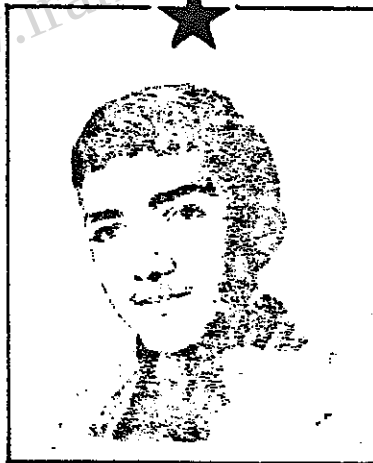
گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

طهمورث اکبری

فدائی خلق طهمورث اکبری، پیشمرگه آگاه و خستگی ناپذیر یکی از فرزندان راستین خلق کرد و یکی از بنیانگذاران کانون دانشجو - محصلین در سال ۵۶ و یکی از بنیانگذاران دفتر پیشگام در شهر مریوان بود.

طهمورث جوانی پر شور و انقلابی و یکی از رفقای فعالی بود که پس از روی آوری به سازمان و آیدان به ارمان والای کارگران و زحمتکشان، با از خود گذشتگی و فدائیکاری، شبانه روز برای انجام وظایفش تلاش ورزید و زندگی خود را وقف اهداف سازمان نمود.

طهمورث با شایستگی که از خود نشان داد، مسئولیت سیاسی دفتر پیشگام را بر عهده گرفت و اینبار با تلاشی دوچندان صفات درخشانی از فعالیت انقلابی را از خود برجای گذارد.



و سرانجام رفیق در تاریخ ۱/ شهریور ۵۸ طی یک مأموریت سازمانی در جاده مریوان - قیز با ستونی از مزدوران سرکشیور هم رو برو گشته و بعد از چندین ساعت درگیری و مقاومت حماسی پس از به هلاکت رسانیدن چند تن از مزدوران آماج گلوله قرار گرفت و قلب پر مهرش برای همیشه از تپش باز ایستاد.

یادش گرامی و نامش جاودان

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق

بهزاد شهبازی

از صفحه ۲۰

تا لحظه ای که پخاک افتاد و شعله های سرکشش بکارجویی در وجود او خاموش گردید، همواره از پرتحرکترین رفقای بود که صفا او چه در دوران حیاتش و چه پس از شهادت زباز توده های زحمتکش و همزمانش قرار داشت.

جسارت و بی باکی رفیق بهزاد، باعث گردیده بود تا در تمام مراحل فعالیتش از نقش صریحی برخوردار باشد. بهزاد در انجام وظایف سازمانی چه قبل و چه بعد از انشعاب اکثریتی های خائن پیشقدم بود و از جمله رفقای بود که علیه خط اکثریتی ها در کردستان به مخالفت برخاست و دفاع از خط اصولی و انقلابی سازمان را وظیفه خود قرار داد و اینبار با اشتیاقی دوچندان به مبارزه در سنگر پیشمرگان فدائی ادامه داد و جزو اولین کسانی بود که همراه رفیق صیانت امیدیان ستاد سازمان در بکان را بنیان نمودند. بهزاد بر اساس تجارب و تائیکهای نظامی در تشکیلات سازمان ارتقاء یافت و بعنوان یکی از برجسته ترین پیشمرگان فدائی در گسترش فعالیت سازمان از نقش موثری برخوردار بود.

سرانجام رفیق بهزاد فرزندی فدائیکار خلق کرد در روز ۲۶ شهریور ماه ۶۳ در اثر یک توطئه دردناک به شهادت رسید و سازمان ما یکی از رفقای ارزنده خود را از دست داد.

یادش گرامی باد!



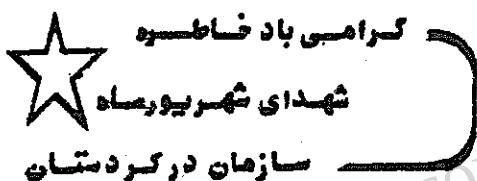
آغاز ششمین سال

از صفحه ۷

سال جنگ و پایان پنج سال کشتار و جنایت جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ ارتجاعی از پاسی و تحت پوشش ضمیمه جنگی و در سرکوب های خونین داخلی از سوی دیگر، زمینه آشکار ساخته است که رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند و نه من خواهد، این جنگ را با ضمیمه کنونی خود، پایان دهد چرا که سرنگشت رژیم دیگر به ادامه این جنگ گره خورده است. اما روند نارضایتی عمومی و جنبش نوده ای علیه جنگ و فقر و میراثی و خانه خرابی حاکم بر جامعه ایران، فرصت و امکان نه تنها پیروزی، حتی ادامه این جنگ را نیز نخواهد داد و رژیم جمهوری اسلامی را با جنگ سرانگیز آن به گور خواهد سپرد.

بدون تردید جنبش انقلابی خلق کرد در مبارزه برای سرنگونی رژیم، همانطور که در به شکست گشتن تلاش های رژیم در گسیل هرچه بیشتر نیرو به کردستان تحت پوشش گیسودن جبهه علیه رژیم عراق، نقش

بشماره داشته و دارد. و به سوزات رشد و انقلابی جنبش بوده ای که اوایل امسال جریکهای آن در تعدادی از شهرهای مهم ایران، آشکار گشت، قدرت رزمی خود را هرچه بیشتر خواهد ساخت که لازمه آن قانع آمدن برشتن درونی امروز خود و قطع درگیری های خونین کنونی فیما بین نیروهای سیاسی و ایجاد آن مناسبات مناسب با اهداف انقلابی و سرنگونی جنبش کنونی است که بتواند تفسیر کننده تدابیر هرچه در تند جنبش کنونی در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد که عامل وجودی ایران اجتماعی-اقتصادی کنونی در جامعه ایران، سرکوب و کشتار و غارت و از جمله جنگ ارتجاعی ایران و عراق است.



شهر یورماه نیز، همپون هر ماه سال سرشار از پرک های گلگونی است که هر کدام آن یاد آور قهرمانی و از خود گذشتگی

رها انسان کونیستی است که برای رهایی کارگران و محترمان از شر نظام کت بار سرطانی و رسیدن به دموکراسی و سوسیالیسم تا آخرین نفس در سنگر خونین سازمان جنگیدند و با وثیقه خون خود بر رزم سرخشان پای فشرند.

- یاد فداان خلق رفقا :
- ۱- یعقوب تقیری (امیر) ۱۳۵۸
 - ۲- طهمورث اکبری ۱۳۵۸
 - ۳- جمال یخالی ۱۳۵۸
 - ۴- شهریار ناهید ۱۳۵۸
 - ۵- احسن ناهید ۱۳۵۸
 - ۶- ناصر سلیمی ۱۳۵۸
 - ۷- مصطفی شمس الدینی ۱۳۵۹
 - ۸- قاسم محروبی ۱۳۵۹
 - ۹- ابوبکر ارمان ۱۳۵۹
 - ۱۰- محمد تقی فروشد
 - ۱۱- جواد کارشی (همپون) ۱۳۶۰
 - ۱۲- انور اعظمی ۱۳۶۱
 - ۱۳- رشید یزدانی (سکو) ۱۳۶۱
 - ۱۴- یوزن جتسی ۱۳۶۱
 - ۱۵- مرتضی خدا مرادی ۱۳۶۱
 - ۱۶- معینده کسریان ۱۳۶۲
 - ۱۷- بهزاد شهبازی ۱۳۶۳

کرامی
ورزشان پایدار !

غنائم بدست آمده

۱۳۶	جنگ افزار انفرادی
۱۵۷	انواع نارنجک
۶	سی سم
۴۱۵۴۱	انواع فشنگ
۴۱۲	خشاب
۱۲	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۱۹	گلوله ها و سنگین و نیمه سنگین
۲۳	بنوشتن فریب خورندگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دگرات و کومله برگرفته شده است.

تلفات دشمن

۴۲۰	کشته و زخمی
۳۷	اصرای دشمن
۴۱	خود رو ضددم یا مصدوم شده
—	سلاحهای منهدم شده
۲ انفار	صدمات ضددم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشرگان
خلق کرد

۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور

عملیات پیشمرگه

۱۷	کمین و کنترل جاده
۱۹	مین گذاری
۳۸	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۶	خلع سلاح پایگاه
۱۰	مصادره و انهدام تاسیسات
۴۱	حمله به پایگاهها
۱۴۲	جمع

۲۰	شهدای پیشمرگه
۱۶	شهدای اهالی بی دفاع

سده رکه و توبی بروننه وهی شور شگیرانه ی گه لی کورد

اخباری از جنبش توده ای

صفحه ۱۳

برخی ملاحظات

صلاح به نفع جنبش یا

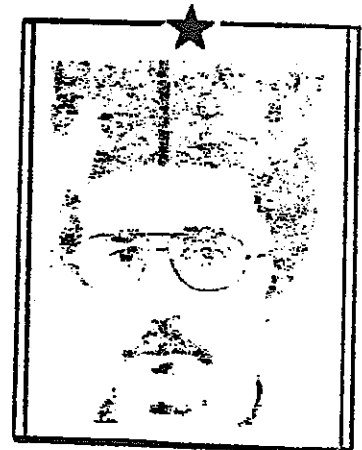
جنگ برای جلب محافل خارج

حزب کمونیست کومه لسه در بیست و یکمین شماره نشریه خود که بتاريخ سی ام تیرماه ۶۴ انتشار یافته است، در مقاله ای تحت عنوان "طرفداران صلاح در کردستان چه می خواهند؟" بار دیگر ماهیت دوگانه رهقانی خود را به نمایش گذاشته و با تأکید بر اینک که درگیری مابین حزب دگرگات کومه لسه جز به نفع رژیم جمهوری اسلامی تمام نمی شود، می نویسد:

"گروههای سیاسی ایرانی تقریباً بدون استثنا در باره این جنگ نوشته اند و حریف زده اند... نویسندگان این مقالات معمولاً تأکید می کنند که این جنگ به نفع جنبش کردستان نیست، قوای مردم را تحلیل می برد، جمهوری اسلامی را در موقعیت پرتسر قرار می دهد و قس علیهذا و همه بدرست از شرایط مساعدی که این جنگ برای جمهوری اسلامی فراهم می کند اظهار نگرانی کرده اند... و بر این صفا مارا ظهم می کنند که منافع جنبش را درک نمی کنیم در صفحه ۱۵"

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق

بهزاد شهبانی



یک سال از شهادت رفیق بهزاد گذشت. رفیق بهزاد شهبانی پیشمرگ فدائیکار سازمان از جمله رفقای بود که پس از اوگیری جنبش توده ای در سال ۵۷ و برآمد جنبش انقلابی خلق کرد، بعنوان یک روزمنده پوشور برای دفاع از خلق خود همراه رفقای شهید یعقوب تقدیری و یوسف کفشی زاده برای ایجاد ستار سازمان در شهر سقز فعالانه کوشید و در طی مبارزات انقلابی در صوفی پیشمرگان فدائی تا باختر به ارمان کارگران و زحمتکشان وفادار ماند.

بهزاد طی ۶ سال مبارزه انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی، از لحظه ای که قدم به میدان جنگ انقلابی گذارد در صفحه ۱۸

رادیو

صدای فدائی

امواج کوتاه و دینهای ۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر

۱۲٫۵ روز بعد



خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

از مرداد تا ۲۷ شهریور

صفحه ۱۹

گزارشی کوتاه از انتخابات ریاست جمهوری در کردستان

و رسوائی بیش از پیش رژیم

در صورت خلق روزمنده کرد در طی این مدت در رخ نگرد اند، از این هدف موسی و ارتجاعی رژیم برکنار نمائند و همچنین قبل از انتخابات قلابی و فرمایشی از دستگاههای محری و تحلیل خود، به تبلیغات وسیع و گسترده ای دست زده و در بوی و گرنای خود پلاوقه میدهند، تا خلق قهرمان کرد را به بجای صندوق های رای بکشانند. اما رژیم از آنجا که چشم در صفحه ۱۶

رژیم ارتجاعی روزمنده جمهوری اسلامی، پس از تبلیغات گسترده و سراسری در مورد برگزاری ضحله انتخابات ریاست جمهوری، ضمن توسل به ضیوه های مختلف مکنه، مزدو حانه تلاش نمود تا بلکه رژیم ارتجاعی روزمنده - با پای صندوق - رای بکشاند تا در اراده سیاست های سرکوبگرانه خود و با صحنه سازی در زمینه انکساره آره توده ها و سوء استفاد از آن، اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود را توده ها را به پای صندوق - رای بکشاند تا در اراده سیاست های سرکوبگرانه خود و با صحنه سازی در زمینه انکساره آره توده ها و سوء استفاد از آن، اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود را

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق